

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ السَّلَام

الْكَوْمَا

# غروب شفق



خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا  
دفتر شمال غرب

ویژه نامه ایام شهادت صدیقہ کبری (ع)  
پاسخ به پرسش های فاطمیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# غروب شقایق

ویژه نامه ایام شهادت صدیقہ کبریؑ  
پاسخ به پرسش های فاطمیہ

# غروب شقایق

## به انضمام چهل حدیث فاطمی

(چهل حدیث کاربردی از بیانات نورانی حضرت زهرا (علیها السلام))

تهیه شده در: دفتر شمالغرب خبرگزاری اهل بیت (علیهم السلام) - ابنا  
وابسته به مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

گردآوری: سید کاظم زعفرانچیلر و حبیب الله آقامحمدی



ناشر: مؤسسه آموزشی - پژوهشی میراث شیعہ تبریز

به اهتمام: موسسه خیریه جان نثاران حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) تبریز



طراح روی جلد: علیرضا پورحسین

مدیر اجرایی: محمد یاریاب



امور هنری و چاپ: جشنواره تبریز ۰۴۱۳۵۲۳۴۱۵۹

مراکز پخش: تبریز، ابتدای خیابان دارایی دوم، روبروی مسجد صاحب الامر  
ساختمان مدرسه اکبریه، موسسه آموزشی - پژوهشی میراث شیعہ تبریز / ۰۹۱۴۵۰۴۰۳۱۰  
تبریز، خیابان دارایی دوم، کوچه بازارچه سرخاب، بن بست قصابان، پلاک ۲۲  
خبرگزاری اهل بیت (علیهم السلام) - ابنا / ۰۴۱۳۵۲۵۰۷۸۳ - ۰۹۱۴۱۱۴۲۳۳۹

## فهرست :

- ۷ مقدمه
- ۱۱ آیا خبر یورش به خانه صدیقه کبری (علیها السلام) صحیح است؟
- ۱۸ چرا با اینکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خانه بود، هنگام یورش، صدیقه کبری (علیها السلام) پشت در رفت؟
- ۲۱ آیا باز کردن در توسط زن، در صورت حاضر بودن مرد در منزل، خلاف غیرت مردان خصوصاً مردان عرب نیست؟
- ۲۴ چرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) با آن همه شجاعت و دلیری، در مقابل آن همه بر خوردهایی که با صدیقه کبری (علیها السلام) شد، قیام نکرد؟
- ۲۹ می گویند در آن زمان خانه ها در نداشتند و درب ها به شکل پرده و حصیر بودند! بخصوص که در برخی از منابع روایت شده است «نحن أهل بیت محمد لا سقوف لیبوتنا و لا أبواب» یعنی «خانه های ما اهل بیت، نه سقف دارد، نه در.» پس چگونه ممکن است صدیقه کبری (علیها السلام) بین در و دیوار قرار گرفته باشد؟

- ۳۴ آیا در منابع معتبر روایی و تاریخی، به شهادت حضرت محسن (علیه السلام) اشاره شده است؟
- ۳۹ حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت صدیقه کبری (علیها السلام)، که هنوز فرزندشان به دنیا نیامده بود، پس چطور او را محسن صدا می کردند؟ فرزندی که نه هنوز دیده بودند و نه در آن زمان جنسیت او را می دانستند!
- ۴۲ چرا حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) شبانه دفن شد؟
- ۴۶ علت مخفی بودن قبر مطهر حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) چیست ؟
- ۴۹ محل دفن حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) کجاست؟
- ۵۶ چهل حدیث فاطمی

### مقدمه:

فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی نبی اکرم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و مادر گرانقدرش حضرت خدیجه دختر خویند، رضوان الله علیها است. فاطمه اطهر از پدر و مادری که برجسته تر از آنان را تاریخ بشر سراغ ندارد به وجود آمد. کسی در تاریخ بشریت از تعالیم و دستوراتی نظیر دستورات پدر گرانقدر آن بزرگوار که چهره تاریخ را دگرگون ساخت، برخوردار نیست. طی سالهای معدود و محدودی انسانها توانستند در پرتو این تعالیم گامهای بلندی به جلو بردارند. تاریخ، مادری چون مادر زهرا علیها السلام سراغ ندارد، وی آن چه داشت خالصانه در طبق اخلاص نهاد و به همسر والا مقام و خدای خویش تقدیم نمود و پروردگارش در برابر، بدو هدایت و نور و روشنائی ارزانی داشت.

حضرت زهرا علیها السلام به تمام جهان انسانی ثابت نمود که وی انسانی کامل است که قادر بر ارائه برترین نمونه زن شایسته می باشد.



بدینسان، یکی از نشانه‌های بزرگ الهی برای قدرت خارج از توصیف خدا و آفرینش تحسین برانگیز او باشد، چه اینکه خدای متعال فاطمه زهرا (علیها السلام) را از عظمتی والا و شکوه و جلالی فوق‌العاده بهره‌مند ساخته بود.

حضرت زهرا (علیها السلام) در دشوارترین لحظات بُحران‌های گوناگون با پدر ارجمند و همسر خود تشریک مساعی داشت. آن مخدّره با تلاش و مبارزات و بیانات خود و تربیت اهل بیت رسالت که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آنان را برای یاری دین خدا، پس از خود ذخیره ساخته بود، آیین اسلام را یاری کرد. و پس از جهاد و مبارزه ای مَرارت‌بار، به عنوان نخستین فرد اهل بیت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) به آن حضرت پیوست. در صحنه کارزار با مشرکان و پایان دادن به نقشه‌ها و توطئه‌های منافقان حضور می‌یافت و همانگونه که در برابر منحرفان، از خود پایداری و استقامت نشان می‌داد، در عرصه آگاهی‌دادن به زنان مسلمان نیز خوش درخشید. زهرای مرضیه (علیها السلام) به راستی الگوی شهامت و فداکاری و شکیبایی و شهادت و گذشت و ایثار بود، به گونه‌ای که با این ویژگی‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن که انسان قادر است برای رسیدن به قله‌های بلند کمال، آن را طی کند، سرآمد بانوان اولین و آخرین گشت.

وهابیت در تلاش‌های مغرضانه خود به هرسوی می‌زند تا خدشه‌ای بر عظمت و کرامت این بانوی بزرگوار وارد کند اما دست بر قضا روز به روز بر حقانیت و نورانیت روافزون این بانوی مکرمه افزوده می‌شود. زیرا وهابیت هر چه در جهت جهل و تاریکی بکوشد، احتیاج به بارقه‌های نور بیشتر احساس می‌شود و این

عین چاه خود را کندن و خود را در ویل و عذاب افکندن است. در همین راستا، ما سعی کردیم تا به مهمترین شبهات در مورد شهادت صدیقه کبری (علیها السلام) پاسخ‌های مختصر برای عموم، ارائه دهیم. این پرسش و پاسخ‌ها از کتاب‌ها و سایت‌های متنوع گردآوری شده‌اند، و مورد بازنگری و اعرابگذاری قرار گرفته‌اند، و تمام شخصیت‌ها و کتاب‌ها به صورت اجمالی معرفی شده‌اند. این تلاش مختصر محصول خبرگزاری اهل بیت (علیهم السلام) - ابن‌ا دفتر شمال غرب می باشد.

و اینکه از مؤسسه آموزشی و پژوهشی میراث شیعه و بویژه حضرت حجت‌السلام والمسلمین رحیم قربانی مدیر این مؤسسه و مؤسسه خیریه جان نثاران حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) تبریز بویژه جناب حاج آقای سیفعلی نامور که زحمات مراحل چاپ این مجموعه را تقبل نمودند، نهایت تشکر را داریم.

فاطمیه سال ۱۴۳۹ هـ. ق

مصادف با بهمن ماه ۱۳۹۶ هـ. ش



## ● آیا خبر یورش به خانه صدیقه کبری (علیها السلام) صحیح است؟

مورخان در بیان واقعه هتک حرمت خانه صدیقه کبری (علیها السلام) دو راه در پیش گرفته‌اند. گروهی فقط تصمیم خلافت را بر هتک حرمت نقل کرده و از عملی شدن آن سخنی نگفته‌اند. ولی گروه دیگر، با شهادتی بیشتر سخن گفته و از حقایق پرده برداشته و به وقوع هتک حرمت تصریح کرده‌اند. اینک از هر دو گروه سخنانی نقل می‌کنیم:

الف. کسانی که تصمیم بر هتک حرمت را بیان کرده‌اند:

۱. ابن ابی شیبیه در کتاب «المُصَنَّف»<sup>ب</sup>: «...أَنَّهُ حِينَ بُويعَ لِأَبِي بَكْرٍ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ كَانَ عَلِيٌّ وَالزُّبَيْرُ يَدْخُلَانِ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ

أ. ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابراهیم ابی شیبیه (۲۳۵-۱۵۹ه.ق) از عالمان اهل تسنن بوده و محدث، فقیه، مفسر و مؤرخ به شمار می‌رود.

ب. کتاب «المُصَنَّف» از آثار مشهور ابن ابی شیبیه است. مصنف به کتابی گفته می‌شود که روایات در آن بر اساس ابواب فقهی مرتب شده باشد.

رَسُولُ اللَّهِ فَيُشَاوِرُونَهَا وَ يَرْتَجِعُونَ فِي أَمْرِهِمْ فَلَمَّا بَلَغَ ذَلِكَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ خَرَجَ حَتَّى دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ فَقَالَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَا أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَيْنَا مِنْ أَبِيكَ وَ مَا مِنْ أَحَدٍ أَحَبَّ إِلَيْنَا بَعْدَ أَبِيكَ مِنْكَ وَ أَيْمُ اللَّهِ مَا ذَاكَ بِمَانِعِي إِنْ اجْتَمَعَ هَؤُلَاءِ النَّفَرُ عِنْدَكَ أَنْ أَمَرْتَهُمْ أَنْ يُحْرِقَ عَلَيْهِمُ الْبَيْتَ...»<sup>(۱)</sup>

«...هنگامی که مردم با ابی بکر بیعت کردند، علی و زبیر در خانه فاطمه به گفتگو و مشاوره می پرداختند، و این مطلب به عمر بن خطاب رسید. او به خانه فاطمه آمد، و گفت ای دختر رسول خدا، محبوبترین فرد برای ما پدر تو است و بعد از پدر تو خود تو؛ ولی سوگند به خدا این محبت مانع از آن نیست که اگر این افراد در خانه تو جمع شوند من دستور دهم خانه را بر آنها بسوزانند...»

۲. بِلَاذُرِي<sup>ب</sup> در کتاب «أنساب الأشراف»: «...إِنَّ أَبَا بَكْرٍ أَرْسَلَ إِلَى عَلِيٍّ يُرِيدُ الْبَيْعَةَ فَلَمْ يُبَايِعْ فَجَاءَ عُمَرُ وَمَعَهُ فَتِيلَةٌ فَتَلَقَّتْهُ فَاطِمَةُ عَلَى الْبَابِ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا بَنَ الْخَطَّابِ أَ تُرَاكَ مُحْرِقًا عَلَى بَابِي

أ. زبیر بن عوام بن خویلد از صحابه پیامبر اکرم ﷺ و برادرزاده حضرت خدیجه بود. پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ زبیر حکم شورای سقیفه را نپذیرفت و از خلافت امیرالمؤمنین علی ﷺ دفاع و همچنین جزء ۶ نفره منتخب خلیفه دوم بود که در آن شورا نیز به نفع امیرالمؤمنین علی ﷺ رأی داد. اما در همان اوایل خلافت امیرالمؤمنین علی ﷺ به همراهی طلحه و برخی دیگر، جنگ جمل را علیه امیرالمؤمنین علی ﷺ سامان داد و در همان جنگ نیز به قتل رسید.

ب. احمد بن یحیی بلاذری که مرگ او را ۲۷۸ و ۲۷۹ هـ ذکر کرده‌اند، از تاریخ‌نگاران و جغرافی‌دانان اهل تسنن مذهب سده دوم و سوم هجری قمری می‌باشد.

ج. کتاب «أنساب الأشراف» اثر بلاذری است. وی در این کتاب به نسب‌شناسی عرب، تاریخ حضرت نوح ﷺ و فرزندان، نیاکان پیامبر اکرم ﷺ را برشمرده و به سیره او و دوره خلافت امیرالمؤمنین علی ﷺ می‌پردازد.

قَالَ نَعَمْ وَذَلِكَ أَقْوَى فِيمَا جَاءَ بِهِ أَبُوكَ...»<sup>(۲)</sup>

«...ابوبکر به دنبال علی فرستاد تا بیعت کند، ولی علی از بیعت امتناع ورزید. سپس عمر همراه با فتیله (آتشزا) حرکت کرد و با فاطمه در مقابل باب خانه روبرو شد، فاطمه گفت: ای فرزند خطاب، می بینم در صدد سوزاندن خانه من هستی؟! عمر گفت: بلی، این کار کمک به چیزی است که پدرت برای آن مبعوث شده است...»

۳. ابن قتیبه<sup>۱</sup> در کتاب «الإمامة و السیاسة»<sup>۲</sup>: «...وَتَفَقَّدَ أَبُو بَكْرٍ قَوْمًا تَخَلَّفُوا عَنْ بَيْعَتِهِ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَبَعَثَ أَبُو بَكْرٍ إِلَيْهِمْ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ فَجَاءَهُمْ عُمَرُ فَنَادَاهُمْ وَهُمْ فِي دَارِ فَاطِمَةَ فَأَبَوْا أَنْ يَخْرُجُوا فَدَعَا بِالْحَطْبِ وَقَالَ وَالَّذِي نَفْسُ عُمَرَ بِيَدِهِ لَتُخْرُجَنَّ أَوْ لَأُحْرِقَنَّهَا عَلَى مَنْ فِيهَا...»<sup>(۳)</sup>

«...ابوبکر از کسانی که از بیعت با او سربر تافتند و در خانه علی گردآمده بودند، سراغ گرفت و عمر را به دنبال آنان فرستاد، او به در خانه علی آمد و همگان را صدا زد که بیرون بیایند و آنان از خروج از خانه امتناع ورزیدند در این موقع عمر هیزم طلبید و گفت: به خدایی که جان عمر در دست اوست بیرون بیایید یا خانه را بر سرتان آتش می زنم...»

---

أ. ابومحمد عبدالله بن مسلم ابن قُتَيْبَة دینوری (۲۷۶-۲۱۳ه.ق) تاریخ نگار و عالم به دانش نحو بوده و از پیروان احمد بن حنبل به شمار می رفت.  
ب. «الإمامة و السیاسة» عنوان کتابی است منسوب به ابن قُتَيْبَة دینوری. این کتاب گاه با عنوان «تاریخ الخلفاء» نیز از آن یاد شده است.

۴. طبری<sup>۱</sup> در کتاب «تاریخ طبری»<sup>۲</sup>: «...أَتَى عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ مَنْزِلَ عَلِيٍّ وَفِيهِ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ فَقَالَ وَاللَّهِ لَأُخْرِقَنَّ عَلَيْكُمْ أَوْ لَتُخْرَجَنَّ إِلَى الْبَيْعَةِ...»<sup>(۴)</sup>

«...عمر بن خطاب به خانه علی آمد درحالیکه گروهی از مهاجران در آنجا گردآمده بودند. وی رو به آنان کرد و گفت: به خدا سوگند خانه را به آتش می کشم مگر اینکه برای بیعت بیرون بیایید...»

۵. سیوطی<sup>۳</sup> در کتاب «مُسْنَدُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ»<sup>۴</sup>: «...يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَاللَّهِ مَا مِنَ الْخَلْقِ أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَيْبِكَ وَمَا مِنْ أَحَدٍ أَحَبَّ إِلَيْنَا بَعْدَ أَيْبِكَ مِنْكَ وَإِنَّمُ اللَّهُ مَا ذَاكَ بِمَانَعِي إِنْ اجْتَمَعَ هَؤُلَاءِ النَّفَرُ عِنْدَكَ أَنْ أَمَرْتَهُمْ أَنْ يُحْرِقَ عَلَيْهِمُ الْبَيْتُ...»<sup>(۵)</sup>

سیوطی نیز مانند ابن ابی شیبہ نقل می کند که در جریان بیعت با ابوبکر، عمر به درب خانه صدیقه کبری (علیها السلام) می آید و می گوید: «...ای دختر رسول خدا، به خدا سوگند، محبوبترین فرد برای ما پدر تو است و بعد از پدر تو خود تو؛ ولی سوگند به خدا این

ا. محمد ابن جریر طبری (۳۱۰-۲۲۴ ه.ق) از عالمان اهل تسنن بوده و مفسر و تاریخ نگار مسلمان ایرانی می باشند.

ب. «تاریخ الرُّسُلِ وَالْمُلُوكِ يَا تَارِيخُ الْأُمَمِ وَالْمُلُوكِ»، معروف به تاریخ طبری که توسط طبری نوشته شده است، تاریخ را از زمان خلقت شروع کرده و سپس به نقل تاریخ پیامبران و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و پادشاهان می پردازد. در این کتاب وقایع پس از شروع تاریخ اسلامی (مقارن با هجرت به مدینه) به ترتیب سال تنظیم شده و تا سال ۲۹۳ هجری شمسی را در بر می گیرد.

ج. جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱-۸۴۹ ه.ق) شافعی مذهب بوده و در جستارهای گوناگونی از جمله حدیث، نجوم اسلامی و علوم قرآنی کتاب نگاشته.

د. سیوطی در کتاب «مُسْنَدُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ»، مجموعه ای از روایات متعلق به صدیقه کبری (علیها السلام) را فراهم آورده است.

محبت مانع از آن نیست که اگر این افراد در خانه تو جمع شوند  
من دستور دهم خانه را بر آنها بسوزانند...»

ب. کسانی که به وقوع هتک حرمت اشاره کرده‌اند:

۱. خُزاعی<sup>۱</sup> در کتاب «الأموال»<sup>۲</sup>: «...دَخَلْتُ عَلَى أَبِي بَكْرٍ أَعُوذُهُ  
فِي اخْتِضَارِهِ فَاسْتَوَى جَالِسًا فَقَالَ إِنِّي لَا أَسِي عَلَى شَيْءٍ إِلَّا عَلَى  
ثَلَاثٍ وَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَفْعَلْهُنَّ وَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَكْشِفْ بَيْتَ فَاطِمَةَ وَتَرَكْتُه  
وَأِنْ أَغْلِقَ عَلَى الْحَرْبِ...»<sup>(۴)</sup>

عبدالرحمن بن عوف<sup>۳</sup> می‌گوید: «...من در بیماری ابوبکر برای  
عیادت او وارد خانه او شدم؛ به من گفت: آرزو می‌کنم ای کاش سه  
چیز را که انجام داده‌ام، انجام نمی‌دادم ای کاش پرده حرمت خانه  
فاطمه را نمی‌گشودم و آن را به حال خود وامی‌گذاشتم هرچند  
برای جنگ بسته شده بود...»

۲. مسعودی<sup>۴</sup> در کتاب «مُروجُ الذَّهَبِ وَ مَعَادِنُ الْجَوْهَرِ»<sup>۵</sup>

ا. ابوعبید قاسم بن سلام خُزاعی (۲۲۴-۱۵۱ ه.ق) از نظر مذهب به احمد بن حنبل بسیار  
نزدیک بود و فقیه، محدث، قاری و زبان‌شناس به شمار می‌رود.

ب. کتاب «الأموال» اثر خُزاعی در رابطه با نظام مالی اسلام می‌باشد.

ج. عبدالرحمن بن عوف، از اصحاب پیامبر اکرم ﷺ بود. او در جنگ بدر و دیگر جنگ‌ها  
حاضر بود. پس از مرگ عمر، او جزو شورای ۶ نفره تعیین خلیفه بود.

د. ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (۳۴۶-۲۸۳ ه.ق) که در مذهب او اختلاف هست، و  
برخی او را شیعه و برخی او را شافعی مذهب می‌دانند، از جمله تاریخ‌نگاران و جغرافیدانان  
عرب به شمار می‌رود.

ه. «مُروجُ الذَّهَبِ» یکی از کتاب‌های مهم تاریخی است که در نیمه اول قرن چهارم هجری  
توسط مسعودی تألیف شده است. مروج الذهب از این جهت که شامل تاریخ ملل قدیم از  
جمله ایرانیان است و اطلاعاتی دقیق و کمیاب از خصایص زندگی این اقوام بدست می‌دهد،  
از منابع معتبر مطالعات شرقی به شمار می‌رود.



می نویسد: «...فَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَكُنْ فَتَشْتُ بَيْتَ فَاطِمَةَ...»<sup>(۷)</sup>  
 آنگاه که ابوبکر در حال احتضار بود چنین گفت: «...آرزو می کنم  
 ای کاش هتک حرمت خانه زهرا را نمی کردم...»

۳. طبرانی<sup>۱</sup> در کتاب «المُعْجَمُ الْكَبِيرُ»<sup>۲</sup>: «...أَمَّا الثَّلَاثُ اللَّاتِي  
 وَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَفْعَلْهُنَّ فَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَكُنْ أَكْشِفُ بَيْتَ فَاطِمَةَ وَ  
 ترکته...»<sup>(۸)</sup>

ابوبکر درباره آن سه چیزی که انجام داده و آرزو میکرد که  
 ای کاش انجام نمی داد، چنین می گوید: «...آرزو می کنم که هتک  
 حرمت خانه فاطمه نمی کردم و آن را به حال خود واگذار  
 می کردم...»

۴. ابن عبد ربّه<sup>۳</sup> در کتاب «العقد الفريد»<sup>۴</sup>: «...وَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ  
 أَكْشِفُ بَيْتَ فَاطِمَةَ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ كَانُوا أَغْلَقُوهُ عَلَى الْحَرْبِ...»<sup>(۹)</sup>  
 «... [ابوبکر گفت آرزو می کنم که] ای کاش خانه فاطمه را  
 نمی گشودم هرچند آنان برای نبرد، در خانه را بسته بودند...»  
 ۵. عبدالفتاح عبدالمقصود<sup>۵</sup> در کتاب «الإمام علي بن أبي

- أ. ابوالقاسم سليمان بن احمد طبرانی (۳۶۰-۲۶۰ه.ق) از محدثان بزرگ اهل تسنن است.  
 ب. معجم در اصطلاح محدثین به کتابی گویند که در آن روایات با به ترتیب اسامی صحابه  
 و یا مشایخ حدیثی و یا شهر و دیار محدثین طبقه بندی شده است.  
 ج. شهاب الدین ابو عمرو احمد بن محمد، ابن عبد ربّه (۳۲۸-۲۴۶ه.ق) شاعر و ادیب بزرگ  
 اندلسی است.  
 د. کتاب «العقد الفريد» نوشته ابن عبد ربّه اندلسی مجموعه ای از معارف و آداب مشرق به  
 صورت منظوم به زبان عربی است.  
 ه. عبدالفتاح عبدالمقصود، از مشاهیر معاصر و استاد دانشگاه اسکندریه مصر از مؤلفین تاریخ  
 اسلامی است.

طالب: «...وَالَّذِي نَفْسُ عُمَرَ بِيَدِهِ، لَيُخْرِجَنَّ أَوْ لَأُخْرِقَنَّهَا عَلَى مَنْ فِيهَا»<sup>(۱۰)</sup>

وی هجوم به خانه وحی را در دو مورد از کتاب خود آورده است و ما به نقل یکی بسنده می‌کنیم:

... عمر گفت «قسم به کسی که جان عمر در دست اوست، بیرون بیاوید والا خانه را بر ساکنانش به آتش می‌کشم» گروهی که از خدا می‌ترسیدند و حرمت پیامبر را در نسل او نگه می‌داشتند، گفتند فاطمه در این خانه است، و او بی‌پروا فریاد زد «باشد!» عمر نزدیک آمد و در زد، سپس با مشت و لگد به در کوبید تا به زور وارد شود. علی پیدا شد. صدای ناله صدیقه کبری (علیها السلام) در آستانه خانه بلند شد. آن صدا طنین استغاثهای بود که دختر پیامبر سر داد.

پی‌نوشت:

۱. ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابراهیم ابی شیبه، الْمُصَنَّف، ج ۸ ص ۵۷۲.
  ۲. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱ ص ۵۸۶.
  ۳. ابو محمد عبدالله بن مسلم ابن قُتَيْبَة دینوری، الإمامة و السياسة، ص ۱۲.
  ۴. محمد ابن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲ ص ۴۴۳.
  ۵. جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی، مُسْنَد فاطمة، ص ۳۶.
  ۶. ابو عبید قاسم بن سلام، الأموال، ص ۱۹۵.
  ۷. علی بن حسین مسعودی، مَروُجُ الذَّهَب، ج ۲ ص ۳۰۱.
  ۸. ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی، مُعْجَم کبیر، ج ۱ ص ۶۲.
  ۹. ابن عبد ربّه اندلسی، العَقد الفَرید، ج ۴ ص ۲۶۸.
  ۱۰. عبدالفتاح عبدالمقصود، الإمام علی بن أبی طالب، ج ۴ ص ۲۷۷-۲۷۴.
- \* گردآوری شده از: جعفر سبحانی، یورش به خانه وحی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.

---

أ. کتاب «الإمام علی بن أبی طالب» تألیف عبدالفتاح عبدالمقصود که براساس مستندات اهل تسنن نوشته شده، تحلیلی است بر وقایع ۵۰ سال تاریخ صدر اسلام.

● چرا با اینکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خانه بود، هنگام یورش، صدیقه کبری علیها السلام پشت در رفت؟

با طرح این شبهه و هابیت می خواهند دو کار را به نفع خودشان تمام کنند:

اول: ضعف و نقصی را برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام بتراشند که چرا امیرالمؤمنین علی علیه السلام (العیاذ بالله) ناموس داری نکرد و یک زن را پشت در فرستاد و خودش رفت!

دوم: دامن عمر بن خطاب را از این جسارت پاک کنند و با این فرافکنیها وانمود کنند که اصل این قضیه کذب است و دور از شأن عمر است!

در مورد هدف اول باید گفت:

اولاً: آنان می گویند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام موظف بود از ناموس خودش دفاع نماید، چرا که همسر، خط قرمز هر شخصی به

حساب می‌آید، حال چطور ممکن است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام از همسر خودش آن هم دختر پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع نکرده باشد. این بی‌غیرتی را به کسی نسبت می‌دهند که لقب «اسدالله الغالب» «شیر پیر و زمند خدا» به او نسبت داده شده، چون امیرالمؤمنین علی علیه السلام در هیچ کجا مغلوب کسی نشده است. و این در حالی است که شهاب الدین آلوسی<sup>۱</sup> در «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»<sup>۲</sup> می‌نویسد: «... غَضِبَ عُمَرُ وَأَضْرَمَ النَّارَ بَبَابِ عَلِيٍّ وَ أَحْرَقَهُ وَ دَخَلَ فَاسْتَقْبَلَتْهُ فَاطِمَةُ وَ صَاحَتْ يَا أَبَتَاهُ وَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَرَفَعَ عُمَرُ السَّيْفَ وَ هُوَ فِي غَمْدِهِ فَوَجَأَ بِهِ جَنْبَهَا الْمُبَارَكَ وَ رَفَعَ السَّوْطَ فَضْرَبَ بِهِ ضَرْعَهَا فَصَاحَتْ يَا أَبَتَاهُ فَأَخَذَ عَلِيٌّ بَتَلَابِيبِ عُمَرَ وَ هَزَهُ وَ وَجَأَ أَنْفَهُ وَ رَقَبَتَهُ...» یعنی «عمر عصبانی شد و درب خانه علی را به آتش کشید و داخل خانه شد، فاطمه به طرف عمر آمد و فریاد زد: «یا ابتاه، یا رسول الله!» عمر شمشیرش را که در غلاف بود بلند کرد و به پهلوی فاطمه زد، تازیانه را بلند کرد و بر بازوی فاطمه زد، فاطمه فریاد زد: «یا ابتاه» [با مشاهده این ماجرا] علی ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید.» نقل این قضیه توسط آلوسی به هر نیتی که باشد، نشانگر این است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام واکنش تنیدی در دفاع از دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خودشان نشان داده است.<sup>(۱)</sup>

أ. شهاب الدین آلوسی بغدادی (۱۲۷۰-۱۲۷۱ ه.ق) فقیه، مفسر، ادیب و مفتی بغداد و از علمای اهل تسنن شافعی است.

ب. «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» اثر آلوسی که بسیار مفصل بوده و در آن گاه موضوعاتی چون مسائل فقهی و کلامی را به‌طور گسترده شرح می‌دهد.

ثانیا: به طور دقیق نمی‌توان گفت چرا صدیقه کبری (علیها السلام) پشت در آمدند. ولی می‌توان به این نکته اشاره نمود که شاید آمدن صدیقه کبری (علیها السلام) برای این باشد تا مهاجمان از تنها یادگار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شرم کرده و جسارت نکنند، در عین حال نه تنها این حضور حضرت مانع از شرم و حیای آنها نشد بلکه جسارتی کردند که امروزه برای بسیاری از علمای اهل تسنن هم این سؤال مطرح است که چرا این جسارت با دختر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن هم از ناحیه کسانی که خود را خلیفه مسلمین و امیر المؤمنین خواندند صورت گرفته است.

در مورد هدف دوم، می‌گوییم:

وقتی اصل ماجرای یورش ثابت شده است، دیگر این سوال که چرا به جای این فرد، فرد دیگری نیامد، دامن کسی را پاک نخواهد کرد، چرا که عده زیادی از علمای اهل تسنن اعم از مورخین و محدثین و مفسرین در کتاب‌هایشان اصل قضیه هتاک و ماجرای هجوم را آورده‌اند و ما در مطالب پیشین به آنها اشاره کردیم.

پی‌نوشت:

۱. شهاب الدین آلوسی بغدادی، تفسیر روح المعانی، ج ۳، ص ۴۲۱.

✽ گردآوری شده از: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی

مکارم شیرازی (مدظله‌العالی) همراه با اضافات و تعلیقات

merakam.ir

● آیا باز کردن درب خانه توسط زن، در صورت حاضر بودن مرد در منزل، خلاف غیرت مردان بخصوص مردان عرب نیست؟

این پرسش در سه بخش پاسخ داده میشود:

۱. باز کردن درب خانه توسط زن در حضور پیامبر اکرم ﷺ

ابن عساکر<sup>۱</sup> در کتاب «تاریخ دمشق»<sup>۲</sup> آورده است که پیامبر اکرم ﷺ در خانه نشسته بود که در زدند و ایشان به ام سلمه<sup>۳</sup> گفتند: «يَا أُمَّ

أ. ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی معروف به ابن عساکر (۵۷۱-۴۹۹ ه.ق) از اهل تسنن و شافعی مذهب بوده، و یکی از ائمه حدیث و علمای مشهور در زمینه تاریخ‌نگاری است.

ب. تاریخ دمشق اثر ابن عساکر، از جامع‌ترین کتاب‌ها در جغرافیای تاریخی و زندگی‌نامه دانشمندان به ویژه محدثان و حافظان حدیث شهر کهنسال دمشق است.

ج. هند دختر ابوامیه بن مغیره که به ام سلمه با کُنبه «هند» شناخته می‌شود، یکی از همسران پیامبر اکرم ﷺ و از کسانی است که ام المؤمنین خوانده شده است. وی با پذیرش اسلام، در سال‌های نخستین بعثت، در زمره اولین مسلمانان در آمد و به دستور پیامبر اکرم ﷺ همراه با عده‌ای از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابیطالب به حبشه مهاجرت کرد. او که قبل از پیامبر اکرم ﷺ ازدواج کرده بود در سال چهارم هجری پس از وفات شوهرش به عقد پیامبر اکرم ﷺ در آمد.

السَّلَامَةُ قَوْمِي فَأَفْتَحِي لَهُ» یعنی «ای امسلمه! برخیز و در را باز کن.»<sup>(۱)</sup> همچنین در همان کتاب آمده است که عمر بن خطاب آمد و دق الباب کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانه بود ولی به حضرت خدیجه فرمود «إِفْتَحِي يَا خَدِيجَةُ» یعنی «ای خدیجه در را باز کن.»<sup>(۲)</sup> الطبرسی<sup>۱</sup> در کتاب الإحتجاجُ عَلَى أَهْلِ اللّٰجَاب آورده است که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانه نشسته بود که امیر المؤمنین علی علیه السلام در زد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عایشه فرمود که: «إِفْتَحِي لَهُ الْبَاب» یعنی «در را برای او (علی) باز کن.»<sup>(۳)</sup> حال باید پرسید آیا علمای وهابی غیر تمندتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند که شبهه فوق را مطرح می کنند؟! **۲. ورود با زور و نه دق الباب**

علاوه بر آنچه گفته شد، طبق آنچه ابن تیمیّه<sup>۲</sup> در کتاب «منهاج السنة النبویة فی نقض الشیعة القدریة»<sup>۳</sup> نوشته است، در آن حادثه دلخراش کسی در منزل را باز نکرد؛ بلکه مهاجمان به زور وارد خانه صدیقه کبری علیها السلام شدند!

أ. أحمد بن علی بن أبیطالب الطبرسی، کنیه او ابومنصور، متوفای ۶۲۰ ه.ق، عالم، فقیه، متکلم و محدث بزرگ و موثق شیعه ایرانی است.

ب. الإحتجاجُ عَلَى أَهْلِ اللّٰجَاب، مشهور به الإحتجاج، کتابی کلامی نوشته طبرسی است. این کتاب در بیان احتجاجات (بحث و استدلال) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و برخی از پیروان آنان با مخالفان خود از فرقه های مختلف است.

ج. احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام بن تیمیه خَرائی حنبلی معروف به ابن تیمیه (۷۲۸-۶۶۱ ه.ق) از علمای اهل تسنن است که مبانی فکری سلفی را پایه گذاری کرد. بسیاری از دیدگاه های جریان های سلفی از جمله وهابیت در اندیشه های ابن تیمیه ریشه دارد.

د. یکی از تالیفات مشهور ابن تیمیه خَرائی کتاب "مِنهاجُ السُّنَّةِ النَّبَوِیَّةِ فی نقض الشیعة الْقَدَرِیَّة" ردی است بر کتاب "مِنهاجُ الْکَرَامَةِ فی معرفة الإمامة" اثر حسن بن یوسف بن مطهر حلّی معروف به علامه حلّی (۷۲۶-۶۴۸ ه.ق). ابن تیمیه در این اثر انواع تهمت ها و افتراء ها را نثار مذهب شیعه کرده و اقوالی را از قول دیگران نقل نموده که یکسره دروغ محض و خالی از هر گونه تحقیق و تأمل است.

### ۳. باور به حرمت خانه وحی

قرآن کریم میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا...}؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید...» و نیز در آیه ۵۳ سوره احزاب میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ...}؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، داخل اتاق‌های پیامبر مشوید، مگر آنکه به شما اجازه داده شود...» از سوی دیگر سیوطی<sup>۲</sup> در کتاب «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»<sup>۳</sup> نوشته است که «خانه زهرا خانه نبوت است»<sup>(۴)</sup> بنابراین به نظر می‌رسد صدیقه کبری (علیها السلام) و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر این باور بودند که مهاجمان، حریم خانه نبوت و لااقل حرمت خانه مؤمنان را حفظ می‌کنند نه اینکه بی‌توجه به دستور خدا و رسول خدا، در خانه اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) را آتش زده و به زور وارد خانه می‌شوند.

پی‌نوشت:

۱. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۲۴ ص ۷۴۰-۲. همان، ج ۲۴ ص ۵۳.

۳. أبو منصور أحمد بن علی بن أبی طالب الطبرسی، احتجاج طبرسی، ج ۱ ص ۲۹۲.

۴. جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، الدر المنثور، ج ۵ ص ۵.

\* گردآوری شده از: خبرگزاری اهل بیت (علیهم السلام) - ابنا، همراه با اضافات و تعلیقات

abna24.com

ا. سوره نور، آیه ۲۷.

ب. جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱-۸۴۹ ه.ق) شافعی مذهب بوده و در جستارهای گوناگونی از جمله حدیث، نجوم اسلامی و علوم قرآنی کتاب نگاشته.

ج. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، تألیف جلال الدین عبدالرحمن سیوطی است. این تفسیر در زمان خود جایگاه خوبی در میان تفاسیر باز کرد. این تفسیر به روش روایی است و احادیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، صحابه و تابعان را نقل می‌کند. علامه سید محمد حسین طباطبایی (۱۴۰۱-۹۱۱ ه.ق) به این تفسیر به صورت وسیعی استناد نموده است.



● چرا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با آن همه شجاعت و دلیری، در مقابل آن همه برخوردهایی که با صدیقه کبری (علیها السلام) شد، قیام نکرد؟

اینکه چرا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با وجود شجاعت و دلیری، در مقابل آنگونه اعمال سکوت کردند و دست به شمشیر نشدند باید گفت:

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مقابل دو راه قرار داشت:

الف: یا با کمک دوستان واقعی خود که حکومت جدید را مشروع نمی دانستند به پا می خاست و با توسل به قدرت، خلافت و حکومت غصب شده را از آنان باز پس می گرفت.

ب: یا آن که وضع پیش آمده را تحمل می کرد و در حد امکان نسبت به حل مشکلات مسلمانان و انجام وظایف خود، اقدام می کرد. از آن جا که رهبران الهی، قدرت و مقام را هدف نمیدانند، بلکه هدف را چیزی بالاتر از حفظ موقعیت خود می دانند، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با ارزیابی اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی به این نتیجه رسید که

اگر با اصرار به حق خود در مقابل ظلم به همسرش صدیقه کبری (علیها السلام) بایستد، وضعی پیش می‌آید که زحمات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و خون‌های پاک شهیدان به هدر میرود، لذا ترجیح داد که وضع پیش آمده را بپذیرد و به طور غیرمستقیم از کیان اسلام حراست نماید.<sup>(۱)</sup>

اگر حضرت دست به شمشیر می‌برد و با دستگاه حاکم مقابله می‌کرد یا به عبارت دیگر شجاعت و دلیری خود را نمایش می‌داد به یقین حوادث ناگوارتری اتفاق می‌افتاد، به عنوان نمونه:

۱- امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بسیاری از کسانی را که بر عهد خود با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ثابت مانده بودند و از جان و دل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را دوست می‌داشتند، از دست می‌داد.

۲- تفرقه شدیدی در میان امت اسلام به وجود می‌آمد و تعداد زیادی از صحابه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که قدرت بزرگی در برابر دشمنان اسلام به شمار می‌آمدند از بین می‌رفتند و یا با از بین رفتن اتحاد، جامعه اسلامی ضعیف می‌شد.

۳- تعداد بسیاری از کسانی که در سال‌های آخر عمر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مسلمان شده بودند، پس از رحلت آن حضرت، به ارتداد روی آورده و در برابر حکومت اسلامی موضع‌گیری کردند، در این حالت بحرانی اگر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) پرچم مخالفت به دست می‌گرفت، جامعه اسلامی در خطر جدی قرار می‌گرفت.

۴- خطر مدعیان نبوت همانند مُسَیْلِمَه<sup>ا</sup> و سَجَاح<sup>ب</sup> را هم

---

ا. مُسَیْلِمَه یا مُسَیْلِمَه کَذَّاب، لقب ابن کثیر بن حبیب ملقب به رحمان الیمامه بود. در سال دهم هجری ادعای پیامبری کرد.

ب. امّ صادر بنت اوس، معروف به سَجَاح زنی طالع بین بود که مانند تعدادی از افراد دیگر در شبه جزیره عربستان، پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ادعای پیامبری نمود.

نباید از نظر دور داشت که با ایجاد اختلاف، بعید نبود ضربات جبران ناپذیری به پیکر اسلام وارد شود.

۵- خطر رومیان که در پی فرصتی مناسب بودند تا به مرکز اسلام حمله کنند نیز جامعه اسلامی را تهدید می کرد و در این موقعیت اگر امیرالمؤمنین علی علیه السلام دست به قیام می زد به یقین جبهه مسلمانان تضعیف می شد و مخالفان اسلام بهتر می توانستند به اهداف خود نایل شوند.

آنچه بیان شد، خلاصه ای از عواملی بود که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خاطر آن ها صبر را بر قیام ترجیح داد و با این ابتکار و تدبیر توانست جامعه اسلامی را از خطرهای بزرگ برهاند و این تصمیم، چیزی جز حفظ اصل اسلام و علاقه به اتحاد مسلمانان و انجام وظیفه نبود.<sup>(۲)</sup>

بیان نهج البلاغه در علت قیام نکردن حضرت:  
امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیانی آکنده از حزن و اندوه، رمز سکوت خود را در خطبه شقشقیه چنین بیان کرده اند:  
«طَفَقْتُ أُرَتِي بَيْنَ أَنْ أَصُولَ بَيْدَ جَذَاءٍ أَوْ أَصْبِرَ عَلَى طَخِيَةِ عَمِيَاءٍ يَهْرُمُ فِيهَا الْكَبِيرُ وَيَشِيبُ فِيهَا الصَّغِيرُ وَيَكْدَحُ فِيهَا مُؤْمِنٌ حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَى فَصَبَرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَذَى وَفِي الْحَلْقِ شَجَا أَرَى تُرَاثِي نَهْبًا»

«عمیقاً اندیشه کردم که با دست بریده و بدون یاور بجنگم، یا آن عرصه گاه ظلمت کور را تحمل نمایم، فضایی که پیران در آن فرسوده، و کمسالان پیر، و مؤمن تا دیدار حق دچار مشقت

می‌شود! دیدم خویشتنداری در این امر عاقلانه‌تر است، پس صبر کردم در حالی که گویی در دیده‌ام خاشاک بود، و غصه راه گلویم را بسته بود! می‌دیدم که میراثم به غارت می‌رود.»<sup>(۳)</sup>

این عبارات نشان می‌دهد که آنچه حضرت را وادار به سکوت کرده بود چیزی با ارزش‌تر از اتفاقات ناگوار رخ داده، یعنی همان حفظ نهال نوپای جامعه اسلامی بود، که حضرت حاضر بود خود، همسر و فرزندان‌ش را در این مسیر فدا کند.

حتی برخی اوقات امیرالمؤمنین علی علیه السلام علیرغم میل باطنی خود با جریان حاکم همراهی نموده و حتی گاهی از آن حمایت نیز کرده است، چنانکه در نامه خود به اهل مصر چنین مینویسد:

«فَمَا رَأَيْتُ إِلَّا أَتَيْتُ النَّاسَ عَلَى فُلَانٍ يُبَايِعُونَهُ! فَأَمْسَكْتُ يَدِي حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَةَ النَّاسِ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ، يَدْعُونَ إِلَى مَحَقِّ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَخَشِيتُ أَنْ لَمْ أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَآهْلَهُ أَنْ أَرَى فِيهِ ثَلَمًا أَوْ هَدْمًا تَكُونُ الْمُصِيبَةُ بِهِ عَلَيَّ أَعْظَمَ مِنْ فَوْتِ وَلَايَتِكُمْ الَّتِي أَنَّمَا هِيَ مَتَاعُ أَيَّامٍ قَلِيلٍ، يَزُولُ مِنْهَا مَا كَانَ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ، أَوْ كَمَا يَتَفَشَّعُ السَّحَابُ، فَتَهَضَّتْ فِي تِلْكَ الْأَحْدَاثِ حَتَّى زَاغَ الْبَاطِلُ وَزَهَقَ، وَاطْمَأَنَّ الدِّينُ وَتَنَهَّنَا»

«چیزی مرا شگفت زده نکرد مگر شتافتن مردم به جانب فلان که با او بیعت می‌کردند. از مداخله در کار دست نگاه داشتم تا آن که مشاهده نمودم گروهی از اسلام بازگشته، و مردم را به نابود کردن دین محمد صلی الله علیه و آله دعوت می‌کنند، ترسیدم اگر به یاری اسلام و اهلس برنخیزم رخنه‌ای در دین بینم یا شاهد نابودی آن باشم که مصیبت آن بر من بزرگتر از فوت شدن حکومت بر شماست،

حکومتی که متاع دوران کوتاه زندگی است، و همچون سراب از بین می‌رود، یا همچون ابر از هم می‌پاشد. بنابراین در میان آن فتنه‌ها قیام کردم تا باطل از بین رفت و نابود شد، و دین به استواری و استحکام رسید.»<sup>(۴)</sup>

پی‌نوشت:

۱. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۱۷.

۳. ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی معروف به سید رضی و یا شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۳، ترجمه حسین انصاریان، ص ۸۵.

۴. همان، ص ۲۷.

✽ گردآوری شده از پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت‌الله هادی  
تهرانی (مدظله‌العالی) همراه با اضافات و تعلیقات

islamquest.net

● می‌گویند در آن زمان خانه‌ها درب نداشتند و درب‌ها به شکل پرده و حصیر بودند! خصوصاً که در برخی از منابع روایت شده است «نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ لَا سُقُوفَ لِبُيُوتِنَا وَلَا أَبْوَابَ» یعنی «خانه‌های ما اهل بیت، نه سقف دارد، نه در.»<sup>(۱)</sup> پس چگونه ممکن است صدیقه کبری (علیها السلام) بین در و دیوار قرار گرفته باشد؟

پاسخ قرآنی

آیاتی از قرآن مجید بر درب داشتن خانه‌ها تصریح دارد. با این وجود چگونه می‌توان وجود درب خانه در صدر اسلام را منکر شد؟!

به عنوان مثال {...لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا...} [بقره/۱۸۹] «...نیکویی آن نیست که از پشت خانه‌ها درآیید بلکه نیکویی آن است که کسی تقوا پیشه کند و به خانه‌ها از در [ورودی] آنها درآید و از خدا

بترسید باشد که رستگار گردید» این آیه بر وجود درب برای خانه‌ها تصریح دارد.

و پا این آیه از قرآن کریم که می‌فرماید: {...وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْكُمْ مَفَاتِحُهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ...} [نور/۶۱] «...و بر شما ایرادی نیست که از خانه‌های خودتان بخورید یا از خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهایتان یا خانه‌های عمه‌هایتان یا خانه‌های دایی‌هایتان یا خانه‌های خاله‌هایتان یا آن [خانه‌هایی] که کلیدهایش را در اختیار دارید یا [خانه] دوستتان...» در این آیه، خداوند سبحان، اجازه می‌دهد تا اشخاص به خانه‌هایی که کلید آن (با رضایت صاحبخانه) در اختیارشان هست، وارد شده و از غذای داخل در آن بخورند. بی تردید خانه‌ای که درب چوبی و آهنی نداشته، بلکه طبق ادّعای اشکال کننده فقط دارای پرده یا حصیر بوده، چگونه می‌تواند دارای کلید باشد؟!

### پاسخ روایی

تنها آیات نیستند که درب داشتن خانه‌های آن زمان را اثبات میکنند، بلکه روایات زیادی نیز هستند که همین امر را اثبات میکنند. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. حافظ ابوداود<sup>۱</sup> در کتاب «سُنَن اَبی داود»<sup>۲</sup> چنین ذکر می‌کند: «از دُکین بن سعید مُزَنی نقل شده: خدمت پیامبر رفتیم و تقاضای غذا کردیم. پیامبر به عمر فرمود: برو و به آنان غذا بده. عمر ما را به اتاق بالا برد، سپس کلید را از کمر بندش بیرون آورد و در را باز کرد.»<sup>(۲)</sup>

۲. مُسَلِم<sup>۳</sup> در کتاب «صَحیح مُسَلِم»<sup>۴</sup> نقل می‌کند: «ابوحمید گوید: پیامبر به ما امر فرمود تا شب‌ها ظرف‌های آب را در گوشه‌ای قرار داده و درب خانه‌ها را ببندیم.»<sup>(۳)</sup>

۳. در بسیاری از روایات مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و اهل تسنن از درب خانه امیر مؤمنان (علیه‌السلام) سخن به میان آمده است. به عنوان نمونه صنعانی<sup>۵</sup> در کتاب «المُصَنَّف»<sup>۶</sup> در داستان ازدواج صدیقه کبری (علیها‌السلام) و امیر مؤمنان (علیه‌السلام) چنین نقل می‌کند: «رسول خدا علی را احضار نمود و همان عمل و دعایی را که برای فاطمه خوانده بود

ا. حافظ ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی (۲۷۵-۲۰۲ه.ق) معروف به امام حافظ ابوداود، از عالمان اهل تسنن بود و نویسنده کتاب سُنَن ابوداود است.

ب. کتاب «سُنَن اَبی داود» تالیف حافظ ابوداود، نقل می‌کند که او او کتاب خود را پس از نگارش به رؤیت احمد بن حنبل رسانده و او کتابش را مورد تأیید قرار داده. بدین خاطر این کتاب در میان اهل تسنن از اعتبار زیادی برخوردار است.

ج. مسلم بن حجاج نیشابوری قشیری، معروف به امام مسلم (۲۶۱-۲۰۶ه.ق) یکی از شخصیت‌های مهم اهل تسنن و نویسنده کتاب «صَحیح مسلم» است.

د. کتاب «صَحیح مسلم» تالیف مسلم بن حجاج نیشابوری یکی از کتاب‌های مهم اهل تسنن است. این کتاب شامل مجموعه احادیثی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌باشد که در آن گفته‌ها و کرده‌های ایشان ثبت گردیده است.

ه. ابو بکر عبدالرزاق بن همام بن نافع الحمیری الیمانی الصنعانی (۲۱۱-۱۲۶ه.ق) از بزرگان علم حدیث است. صنعانی در صنعا، پایتخت یمن زندگی می‌کرد. گروهی از علمای شیعه مثل شیخ عباس قمی، آیت‌الله خوئی، آیت‌الله سبحانی و... او را از بزرگان شیعه می‌دانند. و. «المُصَنَّف» کتابی است در موضوع احادیث احکام که توسط صنعانی تالیف شده است.



برای علی نیز خواند...رسول خدا پس از این دعاها، برخاست و در ب خانه را بست.»<sup>(۴)</sup>

۴. بُخاری<sup>۱</sup> در صحیح<sup>۲</sup> خود می نویسد: از عایشه نقل است: «هنگامی که خبر شهادت جعفر بن ابیطالب<sup>۳</sup> و عبدالله بن رُواح<sup>۴</sup> را آوردند؛ پیامبر بر زمین نشست و آثار حزن و اندوه در صورتش نمایان گشت و من از شکاف در، او را می نگریدم.»<sup>(۵)</sup> شکاف یا سوراخ در، دلیل بر مدّعی ماست که خانه ها بدون در نبودند، بلکه درهایی از جنس «تخته» یا «شاخه درخت نخل» ساخته می شده اند.

### پاسخ به روایت مورد استناد

وَأَمَّا دَرَبَارَه رَوَايَت مَنَسُوبَ بَه امير مؤمنان عليه السلام «لَا سُقُوفَ لِبُيُوتِنَا وَلَا أَبْوَابَ» باید نکاتی را بیان نماییم.

نخست آنکه در سند روایت «احمد بن حسین بن سعید» وارد شده که او شخص ضعیفی است و با این حال، روایت مُرسل<sup>۱</sup> و غیر قابل استناد می گردد. مهم تر آنکه اشکال کننده روایت را ناقص بیان داشته؛ به گونه ای که خواننده احساس کند منازل

---

ا. محمد بن اسماعیل بخاری (۲۵۶-۱۹۴ه.ق) یکی از محدثان معروف اهل تسنن بوده و مولف یکی از "صاح سته" می باشد.

ب. «صحیح بخاری» معتبرترین کتاب حدیث نزد اهل تسنن محسوب می شود که توسط بخاری گردآوری شده است. اهل تسنن این کتاب را «صحیح ترین کتاب پس از کتاب خدا» می نامند.

ج. جعفر بن ابوطالب پسر عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و برادر حضرت امیرالمؤمنین علی<sup>۸</sup> و از شهدای بزرگ صدر اسلام است.

د. عبدالله بن رُواح یکی از یاران و صحابه رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که در بسیاری از صحنه ها و حوادث تاریخی صدر اسلام حضور فعال و چشمگیر داشته است.

ه. خبر مُرسل حدیثی است که یا سند ندارد یا در سند آن ها راویان ذکر نشده باشد.

اهل بیت (علیهم السلام) درب نداشته و یا تصور کند منازل آن‌ها به شکل متعارف نبوده است. در حالیکه آیا اساساً منزلی که نه سقف نه در و نه حتی پرده داشته باشد قابل تصور است؟! متن کامل حدیث و بدون تحریف چنین است: «نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ لَا سُقُوفَ لِبُيُوتِنَا وَلَا أَبْوَابَ وَلَا سُتُورَ [سور] إِلَّا الْجُرَائِدَ وَمَا أَشْبَهَهَا» از این روایت استفاده نمی‌شود که خانه‌های اهل بیت (علیهم السلام) درب نداشته، بلکه از جمله پایانی این حدیث استفاده می‌شود سقف و در و دیوار خانه‌های اهل بیت (علیهم السلام) از تنه درختان خرما بوده. یعنی در حقیقت این روایت می‌گوید: «سقف و درهای خانه‌های ما اهل بیت از تنه درختان خرماست.»

پی‌نوشت:

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی، ملقب به شیخ صدوق، الخصال، ص ۳۷۳.
  ۲. حافظ ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن أبی داود، ج ۲، ص ۷۲۵، ح ۴۲۵.
  ۳. مسلم بن حجاج نیشابوری قشیری، صحیح مُسلم، ج ۳، ص ۳۹۵۱، ح ۱۰۲.
  ۴. ابوبکر عبد الرزاق بن همام بن نافع الحمیری الیمانی الصنعانی، الْمُصَنَّف، ج ۵، ص ۹۸۴.
  ۵. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۴، ح ۳۴۲۱.
- ✽ گردآوری شده از:

خبرگزاری اهل بیت (علیهم السلام) - اینا، همراه با اضافات و تعلیقات

abna24.com

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (علیه السلام) همراه با اضافات و تعلیقات

valiasr-aj.com

● آیا در منابع معتبر روایی و تاریخی، به شهادت حضرت محسن اشاره شده است؟

در منابع مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و منابع اهل تسنن، آمده است که صدیقه کبری (علیها السلام) بر اثر ظلم و فشاری که بر آن حضرت بین در و دیوار خانه وارد شد جنین خود را - که طبق برخی از منابع، محسن نام داشت - سقط نمود.

سید مرتضی علم الهدی<sup>أ</sup> می گوید: در آغاز کار، محدثان و تاریخ نویسان از نقل جسارت هایی که به ساحت دختر پیامبر گرامی اسلام (علیها السلام) وارد شده امتناع نمی کردند و این مطلب در میان آنان مشهور بود که مامور خلیفه با فشار، در را بر صدیقه کبری (علیها السلام) زد و او فرزندی که در رحم داشت سقط کرد و قنُذ به دستور عمر، صدیقه کبری (علیها السلام)

---

أ. ابوالقاسم علی بن حسین بن موسی، مشهور به سید مرتضی علم الهدی (۴۳۶-۳۵۵ه.ق) از فقیهان برجسته مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است. او برادر سید رضی - گردآور نهج البلاغه - و از شاگردان شیخ مفید و شیخ صدوق می باشد.

را زیر تازیانه گرفت تا دست از امیرالمؤمنین علی علیه السلام بردارد...<sup>(۱)</sup>  
 مسعودی<sup>۲</sup> در کتاب «اثبات الوصیة» آورده است: «... فَوَجَّهُوا إِلَى مَنْزِلِهِ فَهَجَمُوا عَلَيْهِ وَأَحْرَقُوا بَابَهُ وَاسْتَخَرَجُوهُ مِنْهُ كَرَهَا وَضَغَطُوا سَيِّدَةَ النَّسَاءِ بِالْبَابِ حَتَّى اسْقَطَتْ مُحْسِنًا» یعنی «... (عمر و همراهان) به خانه علی هجوم بردند و خانه آن او را به آتش کشیدند و با در به پهلوی سیده زنان عالم زدند تا این که محسنش را سقط نمود.»<sup>(۲)</sup>

### منابع اهل تسنن

شهرستانی<sup>۳</sup> در کتاب «الملل و النحل» چنین می گوید: «... إِنَّ عُمَرَ ضَرَبَ بَطْنَ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّى أَلْقَتَ الْجَنِينُ مِنْ بَطْنِهَا» یعنی «...عمر در روز بیعت ضربهای به شکم فاطمه زد که بر اثر آن، جنین در شکم او را سقط نمود.»<sup>(۳)</sup>

صفدی<sup>۴</sup> یکی دیگر از علمای اهل تسنن نیز همچون شهرستانی می گوید: «... إِنَّ عُمَرَ ضَرَبَ بَطْنَ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّى أَلْقَتَ الْمُحْسِنُ مِنْ بَطْنِهَا.» یعنی «...عمر در روز بیعت ضربهای به

أ. علی بن حسین مسعودی (۳۴۶-۲۸۳ه.ق) که در مذهب او اختلاف هست، و برخی او را شیعه و برخی او را شافعی مذهب میدانند، از جمله تاریخ نگاران و جغرافی دانان عرب است.  
 ب. «اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب علیه السلام» تألیف مسعودی، درباره حجت های الهی از حضرت آدم علیه السلام تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، و درباره حجج الهی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا حضرت مهدی علیه السلام است.

ج. محمد بن عبدالکریم شهرستانی (۵۴۸-۴۷۹ه.ق) شافعی مذهب بوده و از مورخان مشهور، و دانشمندان ایرانی قرن ششم به حساب می آید.

د. «الملل و النحل»، کتابی از شهرستانی، که مشهورترین اثر اوست، عقاید آیین ها و نحله های مختلف را به شیوه ای سنجیده گزارش کرده است.

ه. صلاح الدین صفدی (۷۶۴-۶۹۶ه.ق) شافعی مذهب بوده و ادیب، شاعر و مورخ اسلامی به شمار می رود.

شکم فاطمه زد که بر اثر آن، محسن در شکم او را سقط نمود.<sup>(۴)</sup> مقاتل بن عطیه می گوید: «بابکر بعد از آنکه با تهدید و ترس و شمشیر از مردم بیعت گرفت، عمر و قنفذ و جماعتی را به درب خانه علی و زهرا فرستاد. عمر هیزم را در خانه فاطمه جمع نمود و درب خانه را به آتش کشید، هنگامی که فاطمه پشت در آمد، عمر و اصحاب او جمع شدند و عمر آنچنان فاطمه را پشت در فشار داد که فرزندش را سقط نمود و میخ در به سینه او فرو رفت (و بر اثر آن صدمات) به (بستر) بیماری افتاد تا آنکه از دنیا رفت.»<sup>(۵)</sup>

ابن ابی الحدید<sup>۶</sup> در کتاب «شرح نهج البلاغه» نقل نموده است: «ابوالعاص، شوهر زینب، دختر پیامبر در جنگ از طرف مسلمانان به اسارت گرفته شد؛ ولی بعداً مانند اسیران دیگر آزاد شد. ابوالعاص به پیامبر وعده داد که پس از مراجعت به مکه، وسائل مسافرت دختر پیامبر را به مدینه فراهم سازد. پیامبر به زید حارثه و گروهی از انصار، مأموریت داد که در هشت مایلی مکه توقف کنند و هر موقع کجاوه زینب به آن جا رسید، او را به مدینه بیاورند. قریش از خروج دختر پیامبر از مکه آگاه شدند. گروهی تصمیم گرفتند که او را از نیمه راه باز گردانند. جبار ابن الاسود (یا هبار ابن الاسود) با گروهی خود را به کجاوه زینب رساند و نیزه خود را بر کجاوه دختر پیامبر کوبید. از ترس آن، زینب، کودکی را

أ. مقاتل بن عطیه ظاهراً از عالمان اهل تسنن بوده و وفات او را ۵۰۵ ه.ق ذکر کرده‌اند.

ب. فخرالدین ابو حامد عبدالحمید ابن ابی الحدید (۶۵۶-۵۸۶ ه.ق) معروف به ابن ابی الحدید، ادیب، متکلم، مورخ، شاعر و فقیه شافعی و از علمای سده هفتم هجری است.

ج. کتاب شرح نهج البلاغه، تألیف ابن ابی الحدید، نگاشته شده است. عمده شهرت و معروفیت ابن ابی الحدید به سبب تألیف این کتاب است که حاوی مجموعه عظیمی از ادب و تاریخ و کلام و فرهنگ اسلامی است.

که در رحم داشت، سقط کرد و به مکه بازگشت. پیامبر از شنیدن این خبر سخت ناراحت شد و در فتح مکه (با این که همه را بخشید و آزاد نمود) خون قاتل فرزند زینب را مباح شمرد.<sup>(۶)</sup>

ابن ابی الحدید می گوید: «من این جریان را برای استادم ابو جعفر نقیب خواندم، او گفت: وقتی که پیامبر خون کسی که دخترش زینب را ترسانید و او سقط جنین کرد را مباح شمرد، قطعاً اگر زنده بود خون کسانی را که دخترش فاطمه را ترسانیدند که باعث شد فرزندش (محسن) را سقط کند، حتماً مباح می شمرد.»<sup>(۷)</sup>

این قصه، به خوبی نشان می دهد که اخبار موافق با نظریات مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در بین روایات اهل تسنن نیز وجود داشته و خود ابن ابی الحدید نیز در قسمتی از کلامش اعتراف می کند؛ آن جا که می گوید: «علی أن جماعة من اهل الحديث قد رووا نحوه» یعنی «گروهی از اهل حدیث (از اهل تسنن) نیز مانند آنچه را شیعیان می گویند نقل کرده اند.»<sup>(۷)</sup>

### منابع مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

در منابع مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در مورد این موضوع، روایات فراوان است. ما فقط به یکی از آنها اشاره می کنیم:

علامه مجلسی<sup>۱</sup> از ابوبصیر یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) در

۱. محمدباقر بن محمد تقی بن المقصود علی المجلسی (۱۱۱۰ - ۱۰۳۷ ه.ق) معروف به علامه مجلسی یا مجلسی دوم، از مشهورترین فقیهان و محدثان شیعه ایرانی است. وی از عالمان دینی با نفوذ در دولت صفویه و شیخ الاسلام (بالاترین مقام مذهبی کشور) در آن دوره بود. او در علوم مختلف اسلامی مانند حدیث، تفسیر، فقه، اصول، تاریخ اسلام، رجال و درایه تبحر داشته است.

کتاب «بحارُ الأنوار» نقل می‌کند که آن حضرت درباره شهادت صدیقه کبری (علیها السلام) فرمود: «... وَكَانَ سَبَبُ وَفَاتِهَا أَنْ قُنْفُذَ مَوْلَى عُمَرَ لَكَرَهَا بِنَعْلِ السَّيْفِ بِأَمْرِهِ فَأَسْقَطْتُ مُحْسِنًا...» یعنی «...سبب فوت او (صدیقه کبری (علیها السلام) ضرباتی بود که قنفذ، غلام عمر با غلاف شمشیر بر آن حضرت به فرمان عمرزد؛ پس فرزندش محسن را از دست داد...» (۸)

پی‌نوشت:

۱. محمد بن حسن بن علی بن حسن مشهور به شیخ طوسی و شیخ الطائفه، تلخیص شافی، ج ۳ ص ۶۷ (الشافی فی الامامة نوشته سیدمرتضی است که شیخ طوسی آن را تلخیص نموده است).

۲. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة للامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ص ۳۵۱.

۳. محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱ ص ۷۵.

۴. صلاح‌الدین الصفدی، الوافی بالوفیات، ج ۶ ص ۵۱.

۵. مقاتل بن عطیه، الإمامة والخلافة، ص ۱۶۱-۰۶۱.

۶. فخرالدین ابوحامد عبدالحمید بن ابوالحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۴۱، ص ۳۹۱.

۷. همان، ج ۲ ص ۱۲.

۸. محمد باقر بن محمد تقی بن المقصود علی المجلسی، بحارُ الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۳۴ ص ۰۷۱ حدیث ۱۱.

\* گردآوری شده از پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، همراه با اضافات و تعلیقات

www.hawzah.net

أ. کتاب «بحارُ الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار» مشهور به بحارُ الأنوار، مفصل‌ترین مجموعه حدیثی شیعه است که با نظارت علامه مجلسی تألیف شده است. تألیف این کتاب بیش از ۳۰ سال طول کشیده و گروهی از شاگردان علامه مجلسی او را در این کار یاری کرده‌اند.

● حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) که هنوز فرزندان به دنیا نیامده بود، پس چگونه او را محسن صدا می کردند؟ فرزندی که نه هنوز دیده بودند و نه در آن زمان جنسیت او را می دانستند!

بر اساس آموزه های اسلامی در مورد نام گذاری فرزندان، شایسته است، حداقل از دو نکته غافل نباشیم:

الف. فرزندانمان را پیش از ولادت نامگذاری کنیم.

در این رابطه شیخ صدوق<sup>ا</sup> در کتاب «عَلَلُ الشَّرَائِع»<sup>ب</sup> از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نقل کرده است: «سَمُّوا أَوْلَادَكُمْ قَبْلَ أَنْ

---

ا. محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مشهور به شیخ صدوق (۳۸۱-۳۰۵ ه.ق) از بزرگ ترین علمای مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در قرن چهارم هجری قمری است. حدود ۳۰۰ اثر علمی به او نسبت داده اند که البته بسیاری از آنها امروزه در دسترس نیست.

ب. این اثر تالیف شیخ صدوق، مجموعه روایاتی از حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) درباره علت برخی از احکام شرعی و عقیدتی است. این کتاب از معتبرترین اصول روایی شیعه می باشد.



يُولَدُوا فَإِنْ لَمْ تَدْرُوا أَذْكَرَ أَوْ أُنْثَىٰ فَسَمُّوهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَكُونُ لِلذَّكَرِ وَالْأُنْثَىٰ» یعنی فرزندانِتان را پیش از تولّد نام‌گذاری کنید و اگر نمی‌دانید پسر یا دختر هستند، نام آنان را از اسم‌هایی انتخاب کنید که برای مذکر و مؤنث هر دو می‌گذارند، پس فرزند سقط شده شما بدون اینکه نامی برایش گذارده باشید روز قیامت که با شما ملاقات کند می‌گوید: آیا برای من نامی نگذاشتید؟ در حالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نام محسن را برای فرزندش قبل از تولّد گذارد.<sup>(۱)</sup>

ب. نام نیک برای آنان انتخاب کنیم  
 علامه مجلسی در کتاب «بحارُ الأنوار» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: حق فرزند بر پدر این است که نام نیک بر او بگذارد.<sup>(۲)</sup>

و اما در رابطه با پرسش مطرح شده دو احتمال بیان می‌شود:  
 ۱. اگرچه در گذشته تکنولوژی مانند الآن پیشرفته نبود و یا اصلاً وجود نداشت و در نتیجه سونوگرافی و مانند آن وجود نداشت، امّا راه تشخیص جنسیت بچه منحصر به سونوگرافی نیست، بلکه در طب قدیم نیز راه‌هایی برای تشخیص نوع فرزند پیش از تولّد، وجود داشته و دارد. چندانکه در بسیاری از موارد خود زنان حامله از راه‌هایی که خودشان می‌دانستند، به واسطه نشانه‌هایی در می‌یافتند که فرزند پسر است و یا دختر.

۲. و اما در مورد نام محسن، طبق آنچه در روایت فوق بیان شد، نام محسن را شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انتخاب کرده و گذارده بود؛ و همانطور که حضرت عیسی علیه السلام می‌تواند از ذخیره شده‌ها در منزل

مردم خبر دهد<sup>(۳)</sup> پیامبر اسلام ﷺ نیز می تواند از جنسیت فرزند در شکم مادر خبر دهد.

پی نوشت:

۱. محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی ملقب به شیخ

صدوق، عِلَلُ الشَّرَائِع، سید محمد جواد ذهنی تهرانی، ج ۲ ص ۷۸۴.

۲. محمد باقر بن محمد تقی بن المقصود علی المجلسی، بحار الأنوار

الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۷ ص ۰۶.

۳. اشاره به آیه {...وَأَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ...} [آل

عمران/۹۴] «...[من عیسی] شما را از آنچه می خورید و در خانه هایتان

ذخیره می کنید خبر می دهم...».

✽ گردآوری شده از پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله هادوی

تهرانی (مدظله العالی) همراه با اضافات و تعلیقات

islamquest.net

## ● چرا حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) شبانه دفن شد؟

دفن شبانه پیکر مطهر حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) از جمله مسائل مسلم تاریخی است که هم مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و هم اهل تسنن به آن اذعان دارند. ما در اینجا به برخی از روایات فریقین در این زمینه اشاره می کنیم:

### منابع اهل تسنن

محمد بن اسماعیل بخاری در «صحیح بخاری» می نویسد:

«وَعَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَلَمَّا تُوفِّيتْ دَفَنَهَا زَوْجَهَا عَلِيٌّ لَيْلًا وَلَمْ يُؤْذَنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَصَلَّى عَلَيْهَا» یعنی «فاطمه شش ماه پس از پیامبر زنده بود، زمانی که از دنیا رفت، شوهرش علی او را شبانه دفن کرد و خود بر او نماز گزارد و ابوبکر را با خبر نساخت.»<sup>(۱)</sup>

ابو محمد عبدالله بن مسلم ابن قتیبه دینوری در کتاب «تأویل

---

أ. ابو محمد عبدالله بن مسلم ابن قتیبه دینوری (۲۷۶-۲۱۳ ه.ق) تاریخ نگار و عالم به دانش نحو بوده و از پیروان احمد بن حنبل به شمار می رفت.

مختلف الحديث» می نویسد:

«وَقَدْ طَالَبَتْ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَبَا بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِمِيرَاثِ أَبِيهَا رَسُولَ اللَّهِ فَلَمَّا لَمْ يُعْطَهَا إِيَّاهُ حَلَفَتْ أَنْ لَا تُكَلِّمَهُ أَبَدًا وَأَوْصَتْ أَنْ تُدْفِنَ لَيْلًا لَيْلًا يَحْضُرُهَا فَدَفِنَتْ لَيْلًا» یعنی «فاطمه از ابوبکر میراث پدرش را خواست، ابوبکر نپذیرفت، پس فاطمه قسم خورد که دیگر با او (ابوبکر) سخن نگوید و وصیت کرد که شبانه دفن شود تا او (ابوبکر) در دفن وی حاضر نشود. پس شب هنگام دفن شد.»<sup>(۳)</sup>

ابوبکر عبد الرزاق بن همام صَنَعَانِي در کتاب «المُصَنَّف»

می نویسد:

«عَنْ ابْنِ جُرَيْجٍ، وَعَمْرُو بْنِ دِينَارٍ، أَنَّ حَسَنَ بْنَ مُحَمَّدٍ أَخْبَرَهُ: إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ النَّبِيِّ دُفِنَتْ بِاللَّيْلِ. قَالَ: فَرَّ بِهَا عَلَى مِنْ أَبِي بَكْرٍ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهَا؛ كَانَ بَيْنَهُمَا شَيْءٌ» یعنی «حسن بن محمد روایت کرده: علی، فاطمه دختر پیامبر را شبانه به خاک سپرد، تا ابوبکر بر وی نماز نخواند؛ چون بین آن دو اتفاقاتی افتاده بود.»

و در ادامه می گوید: «عَنْ ابْنِ عِيْنَةَ، عَنْ عَمْرُو بْنِ دِينَارٍ، عَنْ حَسَنَ بْنِ مُحَمَّدٍ، مِثْلَهُ؛ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ أَوْصَتْهُ بِذَلِكَ» یعنی «از ابن عیینة نیز همانند این روایت نقل شده است؛ مگر این که در این روایت قید شده که خود فاطمه این چنین وصیت کرده بود.»<sup>(۳)</sup>

و ابن بَطَالٍ<sup>۲</sup> در شرح صحیح بخاری می نویسد:

أ. تأویل مختلف الحديث، ابن قُتَيْبَة، گاه با عناوینی دیگر چون «اختلاف الحديث» نیز خوانده شده است. ابن قُتَيْبَة در این اثر، هم احادیث اعتقادی و هم احادیث فقهی را مورد بررسی قرار داده است.

ب. ابوالحسن علی بن خَلَف بن عبد المَلِك بن بَطَال القُرْطُبِي که تاریخ وفات او را ۴۴۹ ه. ق. ذکردهاند از حدیث شناسان اهل تسنن بوده و مالکی مذهب است.

«أَجَازَ أَكْثَرُ الْعُلَمَاءِ الدَّفْنَ بِاللَّيْلِ... وَدَفَنَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ زَوْجَتَهُ فَاطِمَةَ لَيْلًا، فَرَبَّهَا مِنْ أَبِي بَكْرٍ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهَا؛ كَانَ بَيْنَهُمَا شَيْءٌ»، یعنی «اکثر علما دفن جنازه را در شب اجازه داده‌اند... علی بن ابی طالب، همسرش فاطمه را شبانه دفن کرد تا ابوبکر به او نماز نخواند؛ چون بین آن دو اتفاقاتی افتاده بود.»<sup>(۴)</sup>

ابن ابی‌الحدید در کتاب «شرح نهج البلاغة» به نقل از جاحظ می‌نویسد:

«وَأَمَّا إِخْفَاءُ الْقَبْرِ وَكتمانِ الْمَوْتِ وَعَدَمُ الصَّلَاةِ وَكُلِّ مَا ذَكَرَهُ الْمُرْتَضَى فِيهِ فَهُوَ الَّذِي يَظْهَرُ وَيُقَوَّى عِنْدِي لِأَنَّ الرِّوَايَاتِ بِهِ أَكْثَرُ وَأَصَحُّ مِنْ غَيْرِهَا وَكَذَلِكَ الْقَوْلُ فِي مَوْجِدَتِهَا وَغَضِبِهَا»، یعنی «مخفی کردن مرگ فاطمه، و محل قبر او، و نماز نخواندن ابوبکر و عمر، و هر آن چه که سید مرتضی (از اعلام شیعه در قرن چهارم) گفته است، مورد تأیید و قبول من است؛ زیرا روایات بر اثبات این موارد صحیح‌تر و بیشتر است؛ و همچنین ناراحتی و خشم فاطمه بر شیخین نزد من از اقوال دیگر اعتبار بیشتری دارد.»<sup>(۵)</sup>

### منابع مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)

در منابع مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) به موضوع مورد بحث، فراوان اشاره شده است. در اینجا ما به ذکر فقط یکی از آنها اکتفا می‌کنیم:

شیخ صدوق در کتاب «عِلَلُ الشَّرَائِعِ» علت دفن شبانه آن حضرت را چنین بیان می‌کند:

أ. ابوعثمان عمرو بن بحر (۲۵۵-۱۶۰ ه.ق) مشهور به جاحظ؛ ادیب معتزلی، نویسنده بسیاری از تألیف‌های سده سوم هجری قمری می‌باشد.

«عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ لَا يُؤَيِّ عِلَّةً دُفِنَتْ فَاطِمَةُ عَ بِاللَّيْلِ وَلَمْ تُدْفَنْ بِالنَّهَارِ؟ قَالَ: لَا نَهْأَ أَوْصَتْ أَنْ لَا يُصَلَّى عَلَيْهَا رَجَالُ [الرَّجُلَانِ]» یعنی «علی بن ابی حمزه از امام صادق (ع) پرسید: چرا فاطمه (علیها السلام) را شب دفن کردند نه روز؟ فرمود: فاطمه (علیها السلام) وصیت کرده بود تا در شب وی را دفن کنند تا افرادی [ابوبکر و عمر] بر جنازه آن حضرت نماز نخوانند».<sup>(۶)</sup>

با توجه به مدارک موجود و اعتراف بزرگان اهل تسنن، دلیل دفن شبانه آن حضرت وصیت آن حضرت بود که نمی خواست افرادی که بر او ستم کرده اند، بر جنازه اش نماز بخوانند و با این کار خشم خود را از غاصبان خلافت آشکار ساخت.

پی نوشت:

۱. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۴ ص ۱۵۴۹، ح ۳۹۹۸.
  ۲. ابومحمد عبدالله بن مسلم ابن قُتیبه دینوری، تأویل مختلف الحدیث، ج ۱ ص ۰۰۳.
  ۳. ابوبکر عبد الرزاق بن هَمَّام صَنَعَانِي، المصنف، ج ۳، ص ۵۲۱، ح ۶۵۵۴ و ح ۶۵۵۵.
  ۴. ابوالحسن علی بن خُلَف بن عبد المَلَك بن يَطَّال القُرطُبي، شرح صحیح البخاری، ج ۳ ص ۳۲۵.
  ۵. فخرالدین ابوحامد عبدالحمید بن ابوالحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۶۱ ص ۱۷۰.
  ۶. محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قُمی مشهور به شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱ ص ۵۸۱.
- \* گردآوری شده از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) همراه با اضافات و تعلیقات
- persian.makarem.ir

## ● علت مخفی بودن قبر مطهر حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) چیست؟

حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) زمانی که اجلشان نزدیک شد و در بستر به حالت احتضار بهسر می بردند امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر بالای بسترشان آمدند و بعد از صحبت هایی که با همدیگر کردند، صدیقه کبری (علیها السلام) اجازه خواستند تا چند وصیت به همسرشان کنند<sup>(۱)</sup> از جمله وصایای صدیقه کبری (علیها السلام) به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) این بود که گفتند ای پسرعمو! اگر تا چند ساعت دیگر از دنیا رفتم جنازه ام را شبانه تشییع کن و مراسم تشییع مرا اعم از غسل و کفن و نماز خواندن و دفن کردن باید در محیطی مخفی و پنهان انجام دهی و فقط به کسانی اجازه تشییع دهی که ظلم و جفا نسبت به من روا نداشته اند؛ و حتی به یک نقل، صدیقه کبری (علیها السلام) تصریح کردند که نگذارید ابی بکر و عمر بر من نماز بخوانند و در تشییع جنازه من شرکت کنند. حال بحث در این است که علت این اجازه ندادن صدیقه کبری (علیها السلام) بیانگر چیست؟

به یقین صدیقه کبری (علیها السلام) با این کارشان می خواستند باری دیگر

همانند جریان فدک مبارزه‌ای تازه با وصیت‌نامه سیاسی خویش شروع کنند که ضربه سهمگینی به حکومت وقت وارد سازند.<sup>(۲)</sup>

از نظر علامه سیدجعفر مرتضی عاملی<sup>۱</sup> در کتاب «رنج‌های حضرت زهرا (علیها السلام)»<sup>۲</sup> صدیقه کبری (علیها السلام) با وصیت خویش افکار خفته مردم مدینه را بیدار ساختند و توجه افکار عمومی را نسبت به پایمال کردن حق خویش جلب کردند.<sup>(۳)</sup>

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با عمل به وصیت صدیقه کبری (علیها السلام) اذهان جامعه را دچار شک و تردید کردند و مشروعیت خلیفه را زیر سؤال بردند و مظلومیت صدیقه کبری (علیها السلام) را بیشتر آشکار ساختند و این سؤال را همیشه برای همگان مطرح کردند که چرا قبر صدیقه کبری (علیها السلام) مخفی مانده است.

بدین طریق زمانی که صدیقه کبری (علیها السلام) به شهادت رسید مردم سراسیمه به خانه ایشان می‌آمدند و منتظر بیرون آمدن جنازه بودند، که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به ابوذر گفتند: برو و با صدای بلند اعلام کن که برگردند چرا که تشییع جنازه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) امشب صورت نمی‌گیرد و به تأخیر افتاده است. مردم که متفرق شدند امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با کمک اسماء بدن حضرت را غسل و کفن کردند و در نیمه شب با عده‌ای از نزدیکان و یاران خویش که عبارت بودند از سلمان، ابوذر، مقداد، عمار، عباس و زبیر و چند تن دیگر، جنازه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را شبانه تشییع کردند و شبانه به خاک سپردند و

---

ا. سیدجعفر مرتضی عاملی محقق و نویسنده برجسته مکتب اهل بیت (علیهم السلام) (۱۳۶۴-۱۳۸۲ ه.ق).

ب. کتاب «رنج‌های حضرت زهرا (علیها السلام)» به قلم علامه سیدجعفر مرتضی عاملی پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پرداخته و به برخی شبهات، موجود در این زمینه پرداخته است. مؤلف در انتهای کتاب خود بیش از ۳۶۴ مأخذ تاریخی روایی را که به آن‌ها در اثبات مظلومیت حضرت زهرا (علیها السلام) مراجعه کرده است را ذکر نموده است.



امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) قبر صدیقه کبری (علیها السلام) را هم سطح زمین کردند و حتی روایت شده در چند نقطه در بقیع حضرت قبر درست کردند تا متوجه نشوند که قبر صدیقه کبری (علیها السلام) کدامیک است، و این راز مخفی ماندن قبر صدیقه کبری (علیها السلام) برای همیشه مانده است و کسانی هم که حضور داشتند دیگر بعدها محل اختفاء قبر را بیان نکردند. (۴)

بنابراین علت مخفی ماندن قبر آن حضرت را می توان در امور زیر خلاصه کرد:

۱. اینکه خود آن حضرت خواستند که شبانه و مخفیانه دفن شوند که به تبع آن قبرشان مخفی بماند.
۲. اینکه دشمنان و غاصبان حق آن مظلومه به قبر آن حضرت دسترسی نداشته باشند تا روزی در صدد نبش آن برنمایند.
۳. با توجه به محتوای وصیت ایشان میتوان گفت که حضرت می خواستند با این کار، افکار عمومی را بیدار کرده و مردم را نسبت به ظلم حُکام زمانشان نسبت به ایشان و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آگاه سازند، لذا سؤال «چرا قبر صدیقه کبری (علیها السلام) مخفی ماند؟» را برای همیشه در اذهان مردم زنده نگه دارند.

پی نوشت:

۱. حجت الله النجفی الرضوی الامیری، احتجاج الزهرا فاطمه (علیها السلام) ص ۱۲۰.
  ۲. شهین خشاوی، زندگانی سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام) ص ۸۲.
  ۳. سیدجعفر مرتضی عاملی، رنجهای حضرت زهرا (علیها السلام)، ترجمه محمد سپهری، ص ۳۲۲.
  ۴. محمد باقر بن محمد تقی بن المقصود علی المجلسی، بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱، ص ۵۹۱.
- ✽ گردآوری شده از مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم، همراه با اضافات و تعلیقات

## ● محل دفن حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) کجاست؟

علمای اهل تسنن در مورد محل دفن صدیقه کبری (علیها السلام) سه قول آورده‌اند که در اینجا به آنها اشاره می‌کنیم:

### ۱. در داخل بیت آن حضرت

گذشته از اینکه دفن شدن صدیقه کبری (علیها السلام) در داخل بیت خود، در ضمن روایاتی از طریق مکتب اهل بیت (علیهم السلام) آمده، در منابع اهل تسنن، علما و دانشمندان آنان به این معنا تصریح و دفن آن حضرت را در خانه‌اش تأیید نموده‌اند: از جمله نمیری<sup>ا</sup> در کتاب «تاریخ المدینة المنورة»<sup>ب</sup> از قدیمی‌ترین مورخ و مدینه شناس به نام عبدالعزیز<sup>ج</sup> نقل می‌کند که وی می‌گفت: «أَنَّهَا دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا وَصَنَعَ بِهَا مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ أَنَّهَا دُفِنَتْ فِي مَوْضِعِ فِرَاشِهَا» یعنی

---

ا. عمر بن شَبَّه بن عبیده بن زید نمیری (۲۶۳-۱۷۳ ه.ق) ادیب، شاعر، راوی اخبار و احادیث بود.  
ب. کتاب «تاریخ المدینة المنورة» تنها اثری که از ابن شَبَّه به ما رسیده. مؤلف در این کتاب به روش محدثان، ضمن نقل بیش از ۵ هزار حدیث، به ذکر اخبار و وقایع پرداخته است.  
ج. عبدالعزیز ابن زباله اولین مدینه‌شناسی است.

«فاطمه همانند رسول خدا در داخل خانه‌اش و در جایگاهی که به عالم بقاء ارتحال یافته، به خاک سپرده شده است.»<sup>(۱)</sup>

دیوار بکری<sup>۲</sup> با اشاره به اقوال مختلف در کتاب «تاریخ الخمیس»<sup>۳</sup> می‌گوید: «و گفته شده که قبر آن حضرت در داخل خانه خود و در محلّ محرابی است که در پشت حجره مقدسه قرار گرفته است. سپس این نظریه را تأیید می‌کند و می‌گوید: وَ هَذَا أَظْهَرُ الْأَقْوَالِ»<sup>(۲)</sup>.

## ۲. در بقیع

عده‌ای دیگر از علمای اهل تسنن نیز می‌گویند: آن حضرت در بقیع ولی در خارج از حرم ائمه به خاک سپرده شده است. و این گروه نظرات و احتمالات مختلفی را مطرح ساخته‌اند؛ بعضی می‌گویند در زاویه بیرونی خانه عقیل، که به بقیع منتهی می‌گردد، دفن شده است، و بعضی دیگر می‌گویند در مقابل کوچه‌ای که به نام کوچه «نبیه» بوده به خاک سپرده شده، و بعضی دیگر بیت‌الاحزان را که مسجد فاطمه (علیها السلام) نامیده می‌شد، معرفی نموده‌اند. و اقوال دیگری که در مجموع به شش قول بالغ می‌گردد.<sup>(۳)</sup>

## ۳. در داخل حرم ائمه بقیع

این قول را می‌توان قول مشهور در میان علمای اهل تسنن دانست.

أ. حسین بن محمد الحسن دیار بکری، متولد در دیاربکر و مجاور مکه و قاضی آن، شافعی مذهب بوده و متوفی ۹۶۶هـ.ق است.

ب. کتاب «تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس» تألیف دیار بکری، اثری است تاریخی که به تاریخ مکه و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و خلفاء و پادشاهان پرداخته است.

سمهودی<sup>۱</sup> پس از بیان نظرات و مطالب مختلف در مورد مدفن صدیقه کبری (علیها السلام) در کتاب «وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی»<sup>۲</sup> می‌گوید: «از آنچه گفتیم، چنین به دست می‌آید که قبر آن حضرت در بقیع و در کنار قبر حسن بن علی است.»<sup>(۴)</sup>

ابن نجّار<sup>۳</sup> در کتاب «الدرة الثمينة فی الاخبار المدینة»<sup>۴</sup> پس از نقل وصیت امام مجتبی (علیه السلام) که «ادْفُنُونِي اِلَى جُنْبِ اُمِّي فَاطِمَةَ بِالْمَقْبِرَةِ» می‌گوید: بنابراین قبر فاطمه در کنار قبر فرزندش حسن و در زیر همین قبه است.<sup>(۵)</sup>

عباسی<sup>۵</sup> در کتاب «عمدة الأخبار فی مدینة المختار» می‌گوید: «از قبور واقع در بقیع، قبر فاطمه دختر رسول خدا است و آن در داخل قبه عباس و در کنار قبر فرزندش حسن واقع گردیده؛ زیرا نقل شده است که حسن بن علی به هنگام وفاتش وصیت نمود که مرا در کنار قبر مادرم فاطمه به خاک بسپارید.»<sup>(۶)</sup> و اکثر نویسندگان گذشته و معاصر همین مطلب را تکرار کرده و مدفن آن حضرت را در داخل حرم ائمه بقیع معرفی نموده اند.<sup>(۷)</sup>

### نقد دلیل این نظریه:

اگر طرفداران این قول، دلیلی بر نظریه خود ذکر می‌نمودند،

ا. علی بن عبد الله بن أحمد بن علی الحسنی السمهودی (۹۱۱-۸۴۴ ه.ق) ملقب به نورالدین و مکنی به ابوالحسن، شافعی مذهب بوده و مورخ و فقیه به شمار میرود.  
ب. کتاب «وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی» در مورد تاریخ شهر مدینه منوره است که توسط سمهودی نگاشته شده است.

ج. محب الدین ابن التجار (۶۴۳-۵۷۶ ه.ق) از مدینه‌شناسان مشهور است.  
د. کتاب «الدرة الثمينة فی الاخبار المدینة» تألیف ابن التجار در مورد تاریخ مدینه منوره و نواحی و اماکن و همچنین در مورد صحابه نوشته شده است.  
ه. احمد بن عبد الحمید عباسی، از عالمان اهل تسنن قرن دهم هجری قمری است.

پذیرش گفتار آنان به عنوان یک مورّخ امکان پذیر بود، ولی به طوری که ملاحظه شد، آنان در مقابل وجه اول که مضمون روایات و گفتار بعضی از قدیمی ترین مدینه شناسان است، وصیت حضرت مجتبی (علیه السلام) را دلیل و مستند خود ذکر نموده‌اند که فرمود: اگر از دفن شدن من در کنار جدم مانع گشتند «ادْفُنُونِي عِنْدَ قَبْرِ أُمِّی فَاطِمَةَ» در کنار قبر مادرم فاطمه به خاکم بسپارید. که در گفتار ابن نجار و مؤلف کتاب عمدة الأخبار بدین دلیل تصریح گردیده و سایر مورّخان نیز با توجه به نقل این وصیت در کنار اظهار نظر خویش، عملاً از همین روش پیروی کرده و به همین دلیل استناد و چنین تلقی نموده‌اند که منظور آن حضرت از «امی فاطمة» مادر عزیزش صدیقه کبری (علیها السلام) می‌باشد.

اما به عقیده حضرت آیت الله مکارم شیرازی در عین این که اصل وصیت امام مجتبی (علیه السلام) از نظر تاریخی مورد تأیید است، اما برداشت طرفداران وجه سوّم درست نیست، چرا که شاید منظور امام مجتبی (علیه السلام) از جمله: «امی فاطمة» مادر بزرگش فاطمه بنت اسد باشد نه مادرش صدیقه کبری (علیها السلام)؛ چرا که اطلاق کلمه «امّ» به مادر بزرگ، یک اطلاق شایع است.

ایشان در توضیح این مطلب می‌گویند دفن شدن آن حضرت در بقیع مخالف با روش اهلبیت (علیهم السلام) در پنهان نگهداشتن قبر مطهر آن بزرگوار است، و با قطع نظر از اینکه مخالف مضمون روایات منقول مکتب اهلبیت (علیهم السلام) و اهل تسنن است، و مخالف نظر علما و دانشمندان مکتب اهلبیت (علیهم السلام) در دفن آن حضرت در بیت خود می‌باشد و همچنین، گفتار و نقل صریح ابن مورّخان در موارد

دیگر، ناقض این برداشت و مؤید این است که بانوئی که در حرم بقیع دفن شده، فاطمه بنت اسد است و نه صدیقه کبری (ع).  
از این موارد می‌توان گفتار این مورخان در محل دفن جناب عباس عموی پیامبر ﷺ را ذکر نمود که ابن شبه و سمهودی از قدیمی‌ترین مدینه شناس به نام عبدالعزیز چنین نقل می‌کنند: «دُفِنَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِالمَطْلَبِ عِنْدَ قَبْرِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ بْنِ هَاشِمٍ فِي أَوَّلِ مَقَابِرِ بَنِي هَاشِمٍ الَّتِي فِي دَارِ عَقِيلٍ». یعنی: «عباس بن عبدالمطلب در اول مقابر بنی هاشم و در داخل خانه عقیل در کنار قبر فاطمه بنت اسد دفن شده است.»<sup>(۸)</sup>

عباسی در ضمن نقل متن بالا، گفتار دیگری را از ابن حبان<sup>۳</sup> می‌آورد که وی در مورد تشییع و تجهیز پیکر امام مجتبی (ع) تصریح کرده است: «... دُفِنَ بِالْبَقِيعِ عِنْدَ جَدَّتِهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ بْنِ هَاشِمٍ.»<sup>(۹)</sup>

بطوری که ملاحظه می‌شود، این دو عبارت که از قدیمی‌ترین

أ. از مجموع گفتار مورخان چنین برداشت میشود مردم مدینه که قبلاً اجساد مردگان خود را در دو گورستان عمومی بنام «بنی سالم» و «بنی حرام» و گاهی در داخل منازل خود دفن می‌کردند، با رسمیت یافتن بقیع با دفن عثمان بن مظعون در سال دوم هجری و ابراهیم فرزند پیامبر اکرم ﷺ در سال دهم هجری، به آنجا توجه کردند و عده‌ای از صحابه بتدریج خاها و ریشه‌های درختان موجود در بقیع را کردند و آنجا را آرامگاه خصوصی خود و خانواده خود قرار دادند؛ و بعضی دیگر از صحابه در منازل متصل به بقیع دفن گردید که با گسترش بقیع، جزء آن گردیده است و به تناسب جایگاه و انتسابشان با پیامبر الهی در یک نقطه معین و در کنار هم دفن شده‌اند. مثلاً قبور ائمه چهارگانه (ع) با قبر عباس عموی پیامبر اکرم ﷺ و فاطمه بنت اسد در یک نقطه؛ و همه یا عده‌ای از همسران پیامبر اکرم ﷺ در نقطه‌ای، و رقیه و ام کلثوم دختران پیامبر اکرم ﷺ در کنار هم که مجموع این بخش بنام «مقابر بنی هاشم» معروف گردیده است.

ب. محمد ابن حبان (۳۵۴-۲۷۰ه.ق) شافعی مذهب و از بزرگترین محدثان و علمای اهل تسنن در قرن چهارم می‌باشد.

مورخان و محدثان نقل شده است صراحت دارد بر اینکه بانویی که در حرم بقیع دفن شده و عباس عموی پیامبر ﷺ و امام مجتبیٰ (ع) در کنار آن به خاک سپرده شده‌اند، جده و مادر بزرگ حضرت حسن بن علی (ع) یعنی فاطمه بنت اسد است نه فاطمه زهرا (ع). دختر پیامبر اکرم ﷺ.

این بود مضمون روایات و نظر معروف‌ترین علما و محدثان مکتب اهل بیت (ع) و اهل تسنن، که از مجموع این بحث و گفتار، ظن قریب به یقین به دست می‌آید که قبر مطهر صدیقه کبری (ع) در بیت خود و در کنار مسجد رسول خدا ﷺ قرار گرفته است.

پی‌نوشت:

۱. عمر بن شُبَّه بن عبیده بن زید نُمیری، تاریخ المدینه، ج ۱ ص ۸۰۱.
۲. حسین بن محمد الحسن دیار بکری، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، ج ۲ ص ۶۷۱.
۳. این اقوال را عمر بن شُبَّه بن عبیده بن زید نُمیری در تاریخ المدینه، ج ۱ ص ۵۰۱ و ۶۰۱ و علی بن احمد سَمهودی در وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفیٰ ج ۳ ص ۱۰۹ نقل نموده‌اند.
۴. علی بن احمد سَمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفیٰ، ج ۳، ص ۱۰۹.

۵. محمد بن محمود ابن النجار، الدرة الثمينة فی الاخبار المدینه، ص ۴۵۱.
  ۶. أحمد بن عبد الحمید العباسی، عمدة الأخبار فی مدینه المختار، ص ۴۵۱.
  ۷. مانند علی حافظ در کتاب فصول من تاریخ المدینه، ص ۸۶۱.
  ۸. عمر بن شُبَّه نُمیری، تاریخ المدینه، ج ۱ ص ۷۲۱، و علی بن احمد سَمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفیٰ، ج ۳ ص ۱۰۹.
  ۹. أحمد بن عبد الحمید العباسی، عمدة الأخبار فی مدینه المختار، ص ۳۵۱.
- \* گردآوری شده از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله‌العالی) همراه با اضافات و تعلیقات

www.persian.makarem.ir

در تدیون و تنظیم این ویژه‌نامه از پایگاه‌های اطلاع رسانی زیر بهره گرفته شده است، علاقه‌مندان میتوانند جهت مطالعه بیشتر به این پایگاه‌ها مراجعه نمایند:

abna24.com

خبرگزاری اهلبیت (علیهم‌السلام) - ابنا

ahl-ul-bayt.org

پورتال اهلبیت (علیهم‌السلام) وابسته به مجمع جهانی اهلبیت (علیهم‌السلام)

abp-miftah.com

سایت پرسش و پاسخ پورتال اهلبیت (علیهم‌السلام)

valiasr-aj.com

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (علیه‌السلام)

hawzah.net

پایگاه اطلاع رسانی حوزه

andisheqom.com

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم

persia.n.makarem.ir

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدّظله‌العالی)

islamquest.net

پایگاه اطلاع رسانی حضرت

آیت‌الله هادوی تهرانی (مدّظله‌العالی)



# چهل حدیث فاطمی

چهل حدیث کاربردی از بیانات نورانی

حضرت صدیقه کبری (علیها السلام)

● حدیث ۱ (تفسیر فرات کوفی، ص ۸۳؛ کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۴۶۹):  
علیّ (علیه السلام) به ایشان فرمود: ای فاطمه چیزی از من نمی خواهی  
تا برایت فراهم کنم؟  
حضرت پاسخ داد: از خدا شرم می کنم که از تو چیزی بخواهم  
و تو نتوانی آن را فراهم کنی.

● حدیث ۲ (أمالی طوسی، ص ۱۸۵؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۸):  
ما اگر فقط غذای یک کودک را داشته باشیم، باز هم با آن  
مهمانمان را سیر می کنیم.

● حدیث ۳ (دلائل الامامة، ص ۶۶):  
در زمره مؤمنین نیست کسی که همسایه او از شرهای او در امان  
نمانده باشد.

● حدیث ۴ (دلائل الامامة، ص ۶۶):  
کسی که به روز رستاخیز اعتقادی داشته باشد، همسایه خویش  
را آزار نمی دهد.

● حدیث ۵ (دلائل الامامة، ص ۶۶):

کسی که به روز رستاخیز اعتقادی داشته باشد، یا نیک سخن می گوید و یا ساکت می ماند.

● حدیث ۶ (دلائل الامامة، ص ۶۶):

خداوند انسان نیکوکار و شکيبا و عفت پيشه را دوست می دارد و انسان بدزبان و بداخلاق و تنگ نظر و بخیل و گدا و کسی که زیاد قسم یاد می کند دوست نمی دارد.

● حدیث ۷ (دلائل الامامة، ص ۶۶):

سخن ناسزا از انسان بدزبان صادر می شود و بدزبان قطعا در آتش دوزخ خواهد بود.

● حدیث ۸ (دلائل الامامة، ص ۶۶):

شرم و آبروداری از ایمان و ایمان انسان را به بهشت سوق می دهد.

● حدیث ۹ (دلائل الامامة، ص ۶۶):

کسی که به روز رستاخیز اعتقادی داشته باشد، حتما به مهمان خود را احترام می نماید.

● حدیث ۱۰ (دلائل الامامة، ص ۷۶):

بهترین شما سرشناسانی هستند که با مردم ملایمت می نمایند

(یعنی سرکش و مغرور نیستند) و کسانی هستند که به همسرانشان لطف و نیکویی می‌کنند.

● حدیث ۱۱ (تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۳۲۷):

کسی که نابترین عبادت‌هایش را برای خدا پیش کش کند، خدا نیز برترین کارهای سودمند را برایش نازل می‌گرداند.

● حدیث ۱۲ (فلاح السائل، ص ۲۲):

کسی که نماز را سبک شمارد، خدا او را به پانزده خصلت گرفتار کند؛ شش خصلت در دنیا: رفتن برکت از عمر و رزی، زدوده شدن سیمای صالحان از چهره او، از بین رفتن اجر اعمالش و رفتن دعایش به آسمان‌ها؛ و سه خصلت هنگام مردن: مرگ با خواری و گرسنگی و تشنگی؛ سه خصلت در قبر که فرشته عذاب، تنگی و تاریکی قبر؛ و سه خصلت در قیامت: فرشته‌های او را پیش روی خلاق به صورتش می‌کشد، حسابش سنگین و دور از رحمت خداست.

● حدیث ۱۳ (عوالم العلوم، ج ۱، قسم دوم، ص ۹۲۰):

سفره و نعمت‌های آن دوازده خصلت دارد که شناخت آنها بر هر مسلمانی واجب است:

چهار واجب که عبارتند از: شناخت خالق و روزی دهنده، رضا به خواست الهی، آغاز نمودن با بسم الله، به جا آوردن شکر؛ چهار مستحب که عبارتند از: وضو قبل از خوردن غذا، نشستن بر جانب چپ بدن، خوردن با سه انگشت، لیسیدن انگشتان؛

چهار ادب که عبارتند از: خوردن غذای موجود در سفره، لقمه کوچک برداشتن، زیاد جویدن، کم نگاه کردن به چهره دیگران.

● حدیث ۱۴ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۹۲۰):

برترین حالت برای زنان این است که نه آنان مردان را ببینند و نه مردان آنها را ببینند.

● حدیث ۱۵ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۹۲۱):

نزدیکترین حالات یک زن نسبت به پروردگار خویش، ملازم گشتن با درون خانه خویش است (که برای شوهرداری، تربیت نسل صالح، دوری از مفسده زمینه سازی نماید).

● حدیث ۱۶ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۵۹):

خداوند ایمان را برای پاک گردانیدن شما از هلاکت شرک به خدایتان واجب گردانده است.

● حدیث ۱۷ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۵۹):

خدا به این دلیل شرک را حرام نمود که شما خود را در اعتقاد به ربوبیت او خالص نگهدارید.

● حدیث ۱۸ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۵۹):

خداوند نماز را برای پاک نمودن شما از خود بزرگ پنداری واجب نموده است.

● حدیث ۱۹ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۴۵۹):

خدا روزه را برای تثبیت اخلاص شما در برابر ناملایمی های آن واجب گردانده است

● حدیث ۲۰ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم اول، ص ۴۹۴):

پیامبر صلی الله علیه و آله پنج کلمه نورانی به من آموخت:  
«يَا رَبَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَيَا خَيْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَيَا  
ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينَ وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». ای  
پروردگار اولین و آخرین؛ ای خیر اولین و آخرین؛ ای صاحب  
نیروی پرمحتوا؛ ای رحم کننده بر انسانهای زمین گیر؛ ای رحم  
کننده ترین رحم کنندگان.

● حدیث ۲۱ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۰):

خداوند نیکی به پدر و مادر را برای پیشگیری از سخط بر  
اعمال بدتان واجب گردانیده است.

● حدیث ۲۲ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۰):

خدا صله ارحام را برای ازدیاد دوستان و عشیره، و برکت  
عمرتان واجب کرده است.

● حدیث ۲۳ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۰):

خداوند عدل را با هدف ایجاد نزدیکی قلب های خود شما  
برایتان واجب گردانیده است.

● حدیث ۲۴ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۰):  
خداوند زکات را برای پاک نمودن شما از بُخل و افزایش رزق خودتان مقرر نموده است.

● حدیث ۲۵ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۰):  
خداوند امامت ما اهل بیت را به جهت در امان ماندن امت اسلام از تفرقه قرار داده است.

● حدیث ۲۶ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۰):  
خداوند اطاعت از ما اهل بیت را برای سازمان دادن به ملت اسلام واجب کرده است.

● حدیث ۲۷ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۰):  
خداوند وفای به عهد را به دلیل قرار دادن شما در معرض مغفرت خویش واجب نمود.

● حدیث ۲۸ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۱):  
خداوند رعایت انصاف در ترازو و پیمانه را برای حفظ شما از نقص اموال واجب کرد.

● حدیث ۲۹ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۱):  
خداوند حج را برای برافراشتن پیکره و ساختمان دین خود واجب گردانیده است.

● حدیث ۳۰ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۱):  
خداوند به این دلیل از شراب‌خواری نهی نموده است که شما را  
از ناپاکی‌ها دور نگه دارد.

● حدیث ۳۱ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۱):  
خداوند تهمت ناروا را به این دلیل حرام نموده است که شما را  
از لعنت شدن حفظ نماید.

● حدیث ۳۲ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۱):  
خداوند سرقت را به این دلیل حرام نموده که شما را در حصار  
خویشتن‌داری حفظ نماید.

● حدیث ۳۳ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۰):  
خداوند شکیبایی را عاملی برای شایستگی بر اجر تحمل کارهای  
دشوار واجب کرده است.

● حدیث ۳۴ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۱):  
خداوند جهاد و محبت ما را به عنوان عاملی برای ایجاد عزّت  
برای مسلمانان واجب گردانید.

● حدیث ۳۵ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶۱):  
خویشتن‌داری نماید چنانکه حق حفظ حریم الهی است و بجز  
حالت تسلیم از دنیا نروید.

● حدیث ۳۶ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶):  
خداوند را در آنچه که شما را از آن نهی نموده و به آن امر نموده  
اطاعت نمایید.

● حدیث ۳۷ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم دوم، ص ۶۶):  
خداوند امر به معروف را برای مصلحت عمومی امت اسلامی  
واجب گردانیده است.

● حدیث ۳۸ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم اول، ص ۵۰۰):  
امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام کارهای خانه و بیرون را  
تقسیم و مدیریت کرده بودند.

● حدیث ۳۹ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم اول، ص ۵۲۳):  
دخترم؛ زنی که کارهای منزل را انجام بدهد، خدا او را از دوزخ  
دور و وارد بهشت می‌کند.

● حدیث ۴۰ (عوالم العلوم، ج ۱۱، قسم اول، ص ۵۲۴):  
دخترم؛ زنی که شوهرش از او راضی باشد، خدا به تعداد موهای  
بدنش به او حسنه می‌دهد.

کتاب‌نامه چهل حدیث فاطمی

۱- امام یازدهم علیه السلام حسن بن علی، التفسیر المنسوب إلى الإمام  
الحسن العسکری علیه السلام، تصحیح مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم،  
مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۹۰۴۱ق.



- ٢- عبد الله بن نور الله بحراني اصفهاني، عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد، تصحيح محمد باقر موحد ابطحي اصفهاني، قم، مؤسسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ٣١٤١ق).
- ٣- علي بن عيسى اربلي، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تصحيح سيد هاشم رسولي محلاتي، تبريز، بنى هاشمي، ١٨٣١ق.
- ٤- علي بن موسى ابن طاووس، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم، بوستان كتاب، ٥٠٤١ق.
- ٥- فرات بن ابراهيم كوفي، تفسير فرات الكوفي، تصحيح محمد كاظم، تهران، مؤسسة الطبع و النشر في وزارة الإرشاد الإسلامي، ١٤١٠ق.
- ٦- محمد باقر مجلسي، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت، مؤسسة الوفاء، ٤٠٤١ق.
- ٧- محمد بن جرير بن رستم طبري آملی صغیر، دلائل الإمامة، تصحيح قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، بعثت، ٣١٤١ق.
- ٨- محمد بن الحسن طوسي، الأمالي طوسي، تصحيح مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، ١٤١١ق.

# فروپخت



خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابناء  
دفتر شمال غرب